

“مادر مستاجر، کودک مورد اجاره و پدر اجاره دهنده است”

در دومین شماره فروردین ماه مجله هفتگی زن روز مصاحبه‌ای از مهدوی کرمانی سرپرست دادگاه‌های مدنی خاص درباره مسایلی چون “حق حضانت”، “قیمومیت والدین”، “نفقه زن و کودک”، “تعدد زوجات”، “حق ولایت” و... به چاپ رسیده است.

مهدوی کرمانی که مجری عقاید پیوسیده و عقب مانده رژیم خمینی از طریق دادگاه‌های مدنی خاص در عرصه حقوق زنان و خانواده در جامعه است، در این بقیه در صفحه ۲

حقوق زنان ستدیده میهنان به شدیدترین وجه دستخوش ساخت و تاز افکار گنبدیده و اقدامات ضد بشری حاکمان جمهوری اسلامی است. افکار متعلق به هزار و چند صد سال پیش در مورد زن و خانواده که گاه به صراحت بر زبان برخی از آنان جاری می‌شود، اینک در آستانه قرن بیست و یکم بر سرنوشت میلیون‌ها زن و خانواده ایرانی سایه افکنده است ابعاد ستم و فجایعی که بر زنان میهنان روا داشته می‌شود از ورای گفتار و نوشته‌های مسئولین رژیم نیز هویداست.



دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۵ | پیرامبر ۱۴ آوریل ۱۹۸۶
به ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۰۲

یازده سال از شهادت جزئی و یاران او گذشت



۲۰ فروردین هر سال خاطره‌ای تلخ را به یاد می‌آورد. آن نوشته کذایی روزنامه‌های چیره‌خوار رژیم مبنی بر این که ۹ تن از زندانیان سیاسی حین فرار کشته شده‌اند. کسی این دروغ را باور نکرد. اسامی مندرج در روزنامه‌ها نشان می‌داد که قضیه، قضیه ساده‌ای نیست. رفقا بیژن جزئی، حسن ضیا، ظریفی، سعید کلانتری، عزیز سردی، عباس سورکی، محمد چوپانزاده و احمد جلیل افشار از رهبران و پایه‌گذاران سازمان و مجاهدین خلق کاظم ذوالنوار و مصطفی جوان خوندل کشته شده بودند و این که این چهره‌های تابناک در بقیه در صفحه ۹

به پیشواز اول ماه مه

نبردهای طبقاتی در مراکز جهان سرمایه‌داری

در صفحه ۱۰

کارت دعوت برای آمریکا

طلب و خونریزی خمینی امضا کرده است.

در هفته گذشته تبلیغات جنگ طلبانه خمینی حول محور سیچ نیرو به اوج خود رسید. این تبلیغات بی‌گمان به مذاق جرج بوش و همراهان وی که ماموریتشان بهره‌گیری از همین جنگ افروزیها است، بسیار خوش آمده است. آنها به شکل سبلیکی سوار بر ناو "اینتر پرایز" گشتند و در خلیج فارس گشت زدند.

سیچ نیرو اکنون شکل اجبار مکانی برای رفتن به جبهه را یافته است. فرمان‌ها و فتوای رنگ و وارنگ، فرمایش ویژه چاپ شده در روزنامه‌ها، فشار روزافزونی که در کارخانه‌ها، مدارس، موسسات و ادارات مختلف بر افراد برای رفتن بقیه در صفحه ۲

جرج بوش فرستاده ویژه آمریکا به منطقه خلیج فارس در روز چهارشنبه هفته گذشته بعنوان یکی از سخت‌گویان ژاندارم بین‌المللی یا بی‌شرمی و احساس قدر قدرتی ویژه‌ای اعلام داشت که آمریکا برای مداخله در خلیج فارس منتظر دعوت قبلی نخواهد شد. مداخله جویی در ذات امپریالیسم تجاوزگر آمریکاست و به این اعتبار جرج بوش حرف تازه‌ای نروده است. اما اگر به انگیزه مهم سفر جرج بوش و همراهان وی به منطقه که همانا بهره‌برداری از فضای متشنج بعد از حمله جمهوری اسلامی به بندر عراقی فو است توجه کنیم در می‌یابیم که مقدمه چینی آمریکا برای یک دخالت گسترده تر چندان هم بدون دعوت قبلی نیست. کارت دعوت از آمریکا برای مداخله در منطقه را رژیم جنگ

مردم آئین نوروز را پاس داشتند

“به امید عیدهای بدون جنگ و بدون خمینی”

عید، مهره‌های ریز و درشت رژیم با استفاده از هر فرصتی می‌گفتند “جنگ مسئله اصلی است”، “عید مایپوروزی در جنگ است” و... مردم را از تدارک برای نوروز بر حذر می‌داشتند. جرثومه‌های چهل که سرتا پای حکومتشان، همه عقاید پیوسیده و قرون وسطایی‌شان بر خرافات استوار است، وقیحانه به آداب و رسوم مردمی به اسم “خرافه” حمله می‌کردند.

اما مردمی که این حکومت جز فلاکت و ویرانی، کشتار و سرکوب، چیزی برایشان به ارمغان نیاورده، نوروز را فرصتی می‌دانستند که در آن، دریچه دلشان را به روی امید به بقیه در صفحه ۲

نوروز، عید مردم، عید زندگی، عید زدودن پلشتی‌ها و عید امید، امسال باشکوه هر چه تمامتری برگزار شد. همه تبلیغات رژیم و همه تلاشهای آن برای تحت الشعاع قرار دادن نوروز، بی‌ثمر ماند. نوروز ۶۵، بر خلاف نوروز ۶۴ که خمینی و صدام جنایتکار، با جنگ شهرها بد آن رنگ ویرانی و فاجعه، رنگ غم و عزاداده بودند، به مظهر پاپی‌بندی مردم به سن ملی‌شان علیرغم خواست و تلاش فقهای سیاه دل بدل شد.

نوروز امسال با مایه‌های گسترده خمینی و اعوان و انصارش در مورد جنگ، کشور کشایی جدید و بسیج هر چه بیشتر نیرو برای کشتار گامهای جبهه همزمان شده بود. از مدتها قبل از

اوپک و غرب: چه کسی بپای شت را باین می‌آورد و با چه هدف؟

نفث در استراتژی نو استعمار

دکتر روبین آندرثاسیان

عمر جدید، شماره ۱۲ سال ۸۶

تقویت گردید، و کشورهای نواستقلال ایفای نقش بیشتری در اقتصاد و سیاست جهانی را آغاز کردند.

افزایش اختلافات

اما کشورهای رشد یابنده نتوانستند در سالهای ۷۰ بر وایستگی اقتصادی و موقعیت نابرابریشان در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری غلبه کنند. این کشورها همچنان حوزه‌هایی با بازده پایین کار و مناسبات اجتماعی بسیار عقب مانده را تشکیل می‌دهند که مناطق رشد یافته صنعتی در آنها حکم بقیه در صفحه ۱۲

اخیرا امپریالیسم، و به ویژه امپریالیسم آمریکا، در جبهه اقتصادی نیز حمله متقابل شدیدی علیه کشورهای رشد یابنده آغاز کرده است تا از کشورهای نواستقلال، دستاوردهای دهه ۷۰ را پس بگیرد.

در دهه ۷۰ از طریق فشار مشترک به غرب، تقریبا همه جا امتیازات خارجی مربوط به معادن لغو شد، قیمت مواد خام سر به افزایش یافت و بر وایستگی کشورهای صنعتی به صادرات مواد خام مستعمرات سابق افزوده شد. در نتیجه، سهم کشورهای نواستقلال در تولید جهانی بالا رفت. این کشورها قادر شدند مبارزه برای نظام نوین اقتصاد جهانی را آغاز کنند. با حمایت فعال جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش غیر متعهدا

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

کارت دعوت برای آمریکا

بقیه از صفحه اول

به چپه وارد می شود، پیکر وسیعتر جوانان و به راه افتادن یک ماشین تبلیغاتی عظیم همه نشانه های آنند که خمینی می کوشد مقدمات کشتار بزرگ دیگر را فراهم سازد. رفسنجانی دولتمرد درجه یک دستگاه خمینی در هفته گذشته در یک مراسم جنگی و تبلیغاتی ویژه سیچ نیرو فریاد برداشت که همه امکانات مملکت در خدمت جنگ! تاکنون جز این عمل نشده است ولی حال که خمینی و دولتمردانش این چنین بر روی جنگ تبلیغ می کنند می خواهند دیگر به راستی حیات جامعه را به حالت تعطیل در آورند و همه جلوه های هستی آن را در پای غفريت جنگ قربانی کنند.

اعلام "سیچ عمومی" سیچ برای کشتار و ویرانی و انهدام و در ادامه سیاست جنگ افروزی و تشنج طلبی مطلوب آمریکاست. سران جمهوری اسلامی با اعلام "سیچ عمومی" و ابراز آمادگی برای کشتار بزرگ، یکبار دیگر نشان می دهند که بحران همه جانبه ناشی از جنگ را تنها می خواهند یا جنگ حل کنند و اکنون که بحران اوج گرفته و عنان کسبخته گشته است، چاره را در به اوج رساندن جنون جنگ طلبی خود دیده اند.

حاصل "سیچ عمومی" بی گمان آن نخواهد شد که فقهای جنگ طلب می پندارند و تبلیغ می کنند. فشار برای رفتن به چپه ها، فشار برای خون دادن و کشته شدن و عزادار گشتن و فشار برای تحمل کرسنگی و پیکاری و بی سرپناهی جز همه گیر شدن و عقب یافتن بیشتر نفرت عمومی از جنگ و واکنش فعال در قبال آن، پاسخی نخواهد داشت. حاصل مسلم سیچ عمومی، سیچ نفرت عمومی علیه جنگ است.

توضیح و پوش

در شماره گذشته در مقاله "خمینی کاشت، آمریکا برداشت" چملائی از متن افتاده است متن صحیح آن چنین است:

حکومت خمینی در این راستا نیز خدمت بزرگی به آمریکا کرده است، نفوذ بیشتر در منطقه و فروش سلاح بیشتر در منطقه. جنگ افروزی دولت خمینی بزرگترین ثمرات را برای امپریالیسم آمریکاییار آورده است.

مردم آئین نوروز را پاس داشتند

"به امید عیدهای بدون جنگ و بدون خمینی"

بقیه از صفحه اول

آینده بکشایند. فرصتی که در آن، نوید پیروزی آتی زندگی و سعادت بر سپاه چهل و عزایدی ارمی گردد.

خرید شب عید که همیشه جزئی از تدارکات نوروز بوده است، نمودار کاملی برای هر چه باشکوه تر برگزار کردن نوروز بود. علیرغم گرانی سرسام آور اجناس، علیرغم کاهش قدرت خرید مردم، و علیرغم کمبود و نبود بسیاری اقلام، در خیابانهای اطراف بازار و مرکز شهر تهران و خیابانهایی که مغازه و فروشگاه در آن زیاد است، در روزهای قبل از عید جای سوزن انداختن نبود. هر کس تا حد توانش، به خرید شیرینی، لباس نو و... می پرداخت. بسیاری از مردم که جنگ لعنتی و سیاستهای خانمان بر بادده رژیم، از قدرت خرید آنها به شدت کاسته، لااقل تلاش خود را برای تهیه اجناس ضروری عید می کردند. کارگران که اسامال به علت افلاس مالی رژیم، یا عیدی نگرفته و یا کمتر از سالهای پیش عیدی گرفتند، با همان مبلغ مختصر هم کوشیدند خرید عید را انجام دهند. کارمندی که سکه گرفته بودند، سکه های خود را بلافاصله فروختند تا برای خرید پولی دست و پا کنند. در روز ۲۹ اسفند، شیرینی فروشیها بسیار شلوغ شده بود. اکثر آنها شیرینی هایشان را تا بعد از ظهر تمام کردند.

شب چهارشنبه سوری، در سراسر تهران صدای ترقه لفظه ای قطع نشد. کوچه ها و خیابانهای اغلب شهرها، شاهد منظره جالبی بود: برو و بچه ها بته های آتش را برپای می کردند، کمیته چی ها سر می رسیدند و آتش را بهم می زدند، تا پاسدارها گورشان را کم می کردند، دوباره بته جمع می شد و آتش برپا. شهنه ها سراسیمه اینطرف و آن طرف می دویدند تا ترقه ها و فشفشه ها را از دست بچه ها بگیرند، اما مگر حریفشان می شدند؟

روز اول عید، با آنکه هوا در تهران سرد و برفی بود، بازار دید و بازدید گرم بود. در این دیدارها، اولین چیزی که مردم به هم می گفتند این بود: "به امید عیدهای بدون جنگ و بدون خمینی". هر کس را که در خیابان می دیدی، بهترین لباس را پوشیده بود.

بعضی از مردم، از فرصت عید برای مسافرت استفاده کردند. شهرها و روستاهای شمال دیگر جا نداشت.

خمینی روز چهارم عید سخفرائی کذایی اش را انجام داد و گفت همه باید به چپه بروند، همه چیز باید در خدمت جنگ باشد و... بدنبال این سخفرائی، سرتاپای رژیم سیچ شد تا برای چپه، گوشت دم ترب در دست کنند. فقها خیال می کردند دیگر عید تمام شد، و بعد از سه روز تشییع جنازه کشته های جنگ را که از ترس اعتراض مردم در ایام عید قطع کرده بودند، در بعضی شهرها دوباره به راه انداختند. می خواستند ۱۲ فروردین، روز جمهوری اسلامی را به خیال خودشان به روز "لییک" به دستور سیچ خمینی تبدیل کنند. اما هر چه تلاش کردند، در تهران جز جمعیت معمول نمایش های جمعه، نتوانستند کسی را به دانشگاه بکشانند.

در عوض، فردای آن روز مردم به دستور خمینی پاسخ دادند، اما پاسخی که خودشان می خواستند، نه آنکه رژیم می خواست. از چند روز قبل، بلندگوهای رژیم که جرات در افتادن با سنت نوروز را نداشتند، نیرویشان را روی سیزده بدر متمرکز کرده بودند. نشریات آخوندی، در باره "حرام" بودن این سنت قلم فرسایی می کردند.

روز سیزده بدر، هر جایی از

اطراف تهران که امکان نشستن و استفاده از طبیعت هست، پر از جمعیت شده بود. مردم با استفاده از هوای خوب این روز، به مناطق اطراف کرچ، شهریار، ونجک، آملی، جاده هراز و... هجوم آوردند. از سنگینی ترافیک، جاده ها صبح به طرف مقاصد و عصر به طرف شهر یکطرفه اعلام شده بود. از صبح زود، مردم طبق معمول سیزدهایشان را به خیابان آورده بودند. از ۵ صبح به بعد صدای اتومبیلها لحظه ای قطع نمی شد.

بسیاری از مردم که امکان رفتن به بیرون شهر را نداشتند، به پارکها آمده بودند. همه پارکهای تهران مملو از جمعیت بود. مناطقی مثل وسط و اطراف میدان آزادی، وسط بلوار کشاورز، وسط و کنار بلوارهای اطراف فرودگاه و... را مردم با سایشان پر کرده بودند. کوههای اطراف تهران شلوغ بود.

در تمام طول ایام عید، مردم نشان دادند که سنتهای پویای خود را زنده نگه می دارند و با گرامی داشتن این سنت ها، تلاش رژیم را که دشمن آداب و رسوم ملی ایرانیان است، نقش بر آب می کنند. نوروز ۶۵، عید گرامیداشت امید بود، امید به آینده ای فارغ از شب پرستان، فارغ از جنگ، فارغ از فقر. امید به آینده ای که دستان مردم خواهد ساخت.



سرپرست دادگاههای مدنی خاص:

“مادر مستاجر، کودک مورد اجاره و پدر اجاره دهنده است”

بقیه از صفحه اول

نزد روز

شنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۶۵

بایستی این مبلغ را به شما بدهم وقتی مادر برای بزرگ کردن بچه اجیر شد، چون در سند اجاره تا مدت تمام نشود، شخص حق فسخ ندارد، در اینجا نیز چون مادر مستاجر است و از شخص پدر مورد حضانت را که بچه است اجاره کرده باید تا مدت قرار داد اجاره که سن بلوغ بچه است، اجاره به قوت خود باقی بماند. در این وقت اجاره مدتش پایان یافته است، چون بچه‌ها به سن بلوغ رسیده‌اند و

مصاحبه صراحتاً اعلام می‌کند که رژیم به هیچ‌یک از ارزش‌های انسانی و اجتماعی پای‌بند نیست و به اعتقاد اینان زنان نیز همچون دیگر کالاهای می‌توانند مورد قرارداد و اجاره قرار گیرند این قرارداد می‌تواند ناظر بر حق حضانت و حق زنان نسبت به کودکان خویش و روابط زن و شوهر باشد بنابراین این قانون عقود و ایقاعات که بر چگونگی روابط خرید و فروش کالا نظارت دارد بر اساس این قرارداد روابط زن و مرد و کودکان آنها را نیز شامل می‌شود.

در این مصاحبه سرپرست دادگاه‌های مدنی خاص اعلام می‌کند: "... ولایت و حضانت (برای پدر) حکم است و حکم هم قابل اقطاب نیست. مثلاً حکم است که مانع از ظفر و عسر را بخوانیم. سپس مهدوی کرمانی تفکر بوسیده و چندش‌آور حاکم در جمهوری اسلامی را در این باره با مثالی شرح می‌دهد. او می‌گوید: "زن به نحوی دیگری می‌تواند حضانت را در ضمن عقد خارج لازم دیگری به عهده بگیرد، یعنی قرارداد دیگری ببیند، مثلاً بگوید من بچه را تا این سن بزرگ می‌کنم و شما باید از حالا روزی فلان مقدار خرج او را بدهید هم چنین بگوید من اگر خرج بچه را نترغتم روزی که بخواهی بچه را پس بگیری باید فلان مبلغ را به من بدهی ... یا مرد ضمن عقد قرارداد دیگری حق حضانت و اجازه را به زن واگذار کند مثلاً بگوید که من حضانت این بچه را در مدت سه یا چهار سال به شما می‌دهم که شما اجیر شوید بچه را بزرگ و سرپرستی کنید در این مدت من هم بایستی این مبلغ را به شما بدهم وقتی مادر برای بزرگ کردن بچه اجیر شد، چون در سند اجاره تا مدت تمام نشود، شخص حق فسخ قرارداد را ندارد، در اینجا نیز چون مادر مستاجر است و از شخص پدر مورد حضانت را که بچه است اجاره کرده باید تا مدت قرارداد اجاره که سن بلوغ بچه است، اجاره به قوت خود باقی بماند. در این وقت اجاره مدتش پایان یافته است..."



سروش جگرگوشه اش و جلوگیری از هلاک شدن او اقدام کند. وی می‌گوید: "در مورد جراحی بچه نیز وقتی احتیاج به عمل باشد پدرش در حال حاضر نیست و یا دسترسی به او ندارند و یا دهات دوری است مادر هم وقت گرفته و در نوبت بوده و همین امروز وقت عمل است؛ می‌آید دادگاه. در دادگاه خواسته اش را مطرح می‌کند..."

سرپرست دادگاه‌های مدنی خاص در ادامه مصاحبه اش در پاسخ سؤال "زن روز" مبنی بر اینکه نمی‌شود قانونی وضع شود که خانم‌ها به این حق برسند و مثل پدرها باشند، می‌گوید: "این را نه قانون می‌پذیرد و نه شرع منور..."

در جمهوری اسلامی زنان حق دارند به جبهه جنگ بروند و به خاطر امیال تولید خمینی کشته شوند ولی حق ندارند برای نجات جان فرزندانشان اظهار نظر کنند.

مهدوی کرمانی نه تنها از تاکید روی سخنان فوق ابایی ندارد بلکه این را نیز معترف است که جمهوری اسلامی اندک حقوق خانواده و اجتماعی را که میلیون‌ها زن ایرانی طی سال‌ها مبارزه علیه رژیم ستم شاهی توانسته بودند به دست آورند را نیز پایمال کرده است. تعدد زوجات نمونه‌ای از حق‌کشی و تضییقات رژیم خمینی علیه زنان و بنیاد نظام خانواده است. وی در این مورد که در گذشته ساله تعدد زوجات به وسعت امروز نبوده اعتراض می‌کند و می‌گوید گذشته و امروز اگر تفاوتی کرده در شرعی و غیر شرعی بودن آن است. "البته هشت نه سال قبل، مأموران مردان دو زن را تعقیب نمی‌کردند اگر زنی شکایت می‌کرد، سراغ مردم می‌رفتند که چرا بدون اجازه او زن گرفته‌ای والا اگر کسی چهارتا زن هم می‌گرفت ولی شاکتی نداشت کسی هم کاری به کار او نداشت." شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی نیز این را تکمیل کرده و اعلام نموده که حتی الزام به اجازه از زن برای شوهر ضروری نیست. بنابراین این "قبلا هم بودند آن موقع کارهای خلاف شرع و خلاف قانون می‌کردند اما حالا گفته‌اند چرا خلاف قانون و شرع، بیایید ضوابط شرعی را رعایت کنید!"

سرپرست دادگاه‌های مدنی خاص اضافه می‌کند که در جمهوری اسلامی زنان نه تنها مورد اجاره قرار می‌گیرند بلکه بنابه ضوابط حکومت خمینی آنان در زمینه ازدواج، مسکن و مسافرت و حتی علاج بیماری فرزندان نیز حق ندارند تصمیم بگیرند. او صریحاً اعلام می‌کند در صورت غیبت پدر، مادر حتی برای انجام عمل‌عکس‌برداری و یا آزمایش بیماری فرزندش باید به دادگاه و به امثال مهدوی کرمانی مراجعه کند. مهدوی کرمانی در مقابل این سؤال که: "وقتی برای عمل‌عکس‌برداری و یا عمل جراحی نیاز به پدر پیدا می‌شود ولی زن نمی‌تواند چنین اجازه‌ای بدهد، حتی وقتی که طفل در حضانت اوست - آیا نباید در این زمینه اختیاراتی به زن داد و یا حکمی از دادگاه صادر شود تا حقوق زن هنگام حضانت کافی و وافی باشد؟ مثلاً خانمی کودکش سوزن خورده بود برای عکس‌برداری از بچه اجازه مرد را می‌خواستند..." با وقاحتی که میزبان همه دست‌اندرکاران رژیم خمینی است، جواب می‌دهد: "اتفاقاً همین امروز یک پرونده آوردند که خانمی بچه‌ای به بغل داشت و می‌گفت از دهات قم آمده است و می‌خواهد بچه را برای عمل جراحی به بیمارستان ببرد. او گفت که به من گفته‌اند باید پدرش باشد و اجازه دهد. خوب پدر ولی فرزند است و فرزند تحت نظر پدرش است و چون پدر بر فرزند ولایت دارد، اجازه او شرط است." مهدوی کرمانی تاکید می‌کند که حتی اگر طفلی در معرض خطر مرگ باشد و به پدر دسترسی نباشد مادر حق ندارد در مورد

سرپرست دادگاه‌های مدنی خاص اضافه می‌کند که در جمهوری اسلامی زنان نه تنها مورد اجاره قرار می‌گیرند بلکه بنابه ضوابط حکومت خمینی آنان در زمینه ازدواج، مسکن و مسافرت و حتی علاج بیماری فرزندان نیز حق ندارند تصمیم بگیرند. او صریحاً اعلام می‌کند در صورت غیبت پدر، مادر حتی برای انجام عمل‌عکس‌برداری و یا آزمایش بیماری فرزندش باید به دادگاه و به امثال مهدوی کرمانی مراجعه کند. مهدوی کرمانی در مقابل این سؤال که: "وقتی برای عمل‌عکس‌برداری و یا عمل جراحی نیاز به پدر پیدا می‌شود ولی زن نمی‌تواند چنین اجازه‌ای بدهد، حتی وقتی که طفل در حضانت اوست - آیا نباید در این زمینه اختیاراتی به زن داد و یا حکمی از دادگاه صادر شود تا حقوق زن هنگام حضانت کافی و وافی باشد؟ مثلاً خانمی کودکش سوزن خورده بود برای عکس‌برداری از بچه اجازه مرد را می‌خواستند..." با وقاحتی که میزبان همه دست‌اندرکاران رژیم خمینی است، جواب می‌دهد: "اتفاقاً همین امروز یک پرونده آوردند که خانمی بچه‌ای به بغل داشت و می‌گفت از دهات قم آمده است و می‌خواهد بچه را برای عمل جراحی به بیمارستان ببرد. او گفت که به من گفته‌اند باید پدرش باشد و اجازه دهد. خوب پدر ولی فرزند است و فرزند تحت نظر پدرش است و چون پدر بر فرزند ولایت دارد، اجازه او شرط است." مهدوی کرمانی تاکید می‌کند که حتی اگر طفلی در معرض خطر مرگ باشد و به پدر دسترسی نباشد مادر حق ندارد در مورد

صاحب زمین پس از اطلاع از این موضوع، به دادگاه شکایت کرد، اما رای دادگاه چنین بود، ما مامور حل اختلاف نیستیم!

قرار سربازان

تعداد بسیاری از سربازانی که از استان هرمزگان به خدمت سربازی فراخوانده شده بودند، در فرصت مناسبی از سربازخانه یا جبهه فرار کرده و به ده یا شهر خویش بازگشته اند. این گروه سربازان به ویژه در بندرعباس در روستاهای فین، رضوان، کهنوج و جیرفت بسیارند. آن‌ها علت فرار خود را فشارهای روحی فرماندهان و مهمتر از آن وضعیت خراب جبهه‌ها که هر لحظه خطر مرگ را در بردارد، ذکر می‌کنند.

در عین حال رژیم به منظور یافتن مشمولین و سربازان فراری، اخیراً یورش وسیعی به روستاهای این استان آورده، اما با اعتراض و مقاومت اهالی مواجه شده است.

قبض برق سال ۵۷

از آبان ماه ۶۴، شرکت برق در بندرعباس، قبض برق سال ۵۷ را که مردم در مقاومت علیه رژیم گذشته از پرداخت وجوه آن سرباز زده بودند، برای بخشی از اهالی این شهر ارسال کرده است. این اقدام در محله رودباری‌ها (پشت بیمارستان شریعتی) با خشم و تنفر اهالی مواجه گردیده است.

اکثر قبض‌های ارسالی از هشت تا هفده هزار تومان رقم خورده‌اند و به ساکنین محله که عموماً از روستاهای اطراف به بندرعباس مهاجرت کرده‌اند و زندگی فلاکت باری را می‌گذرانند، اخطار شده است که در صورت عدم پرداخت فوری وجه قبض، برق خانه‌شان قطع می‌گردد.

کردند. همچنین گاز کارخانه‌های کیان و تکنوآجر نیز قطع شد و کارگران این واحدها نیز به مرخصی اجباری فرستاده شدند.

اعتراض به نحوه اجرای طبقه‌بندی مشاغل

در بهمن ماه، کارگران کارخانه ایرانییت به نحوه پیاده شدن طرح طبقه‌بندی مشاغل اعتراض کرده، سواستی مدیر امور مالی را به باد کتک گرفتند و از کارخانه بیرون انداختند. به دنبال آن، نفرات کمیته انقلاب اسلامی شهری به کارخانه آمده و دو نفر از کارگران و نیز دو تن از حسابداران را دستگیر و با خود بردند. اعتراض کارگران در مورد نحوه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل هنوز ادامه دارد.

مامامور حل اختلاف نیستیم

لارستان - اوز - "نعمت الله درخشان" که از چند سال پیش در امارات متحده به سر می‌برد پس از کلاه برداری‌های فراوان به ایران بازگشت و سپس به عضویت سپاه پاسداران درآمد. نامبرده که اکنون از موقعیت تثبیت شده‌ای در سپاه برخوردار است دست به سو استفاده‌های متعددی زده است. وی سهمیه سیمان تمام کارگاه‌های موزائیک سازی و بلوک زنی و همچنین سهمیه سیمان بخش‌داری را در اختیار دارد و تا آنجا که می‌تواند از آن‌ها می‌دزدد و به فروش می‌رساند.

این پاسدار کلاه بردار با تکیه بر موقعیت خویش و زدو بند با همیالکی‌هایش از مدتی پیش دست به فروش زمین‌هایی زده است که متعلق به شخص دیگری می‌باشد و بر اساس گفته بستگان درخشان، صاحب زمین، خانواده‌اش مدتهاست که در کشورهای حوزه خلیج فارس زندگی می‌کنند.

اقدام قاطع کارگران کارخانه سیمان

به دنبال تصمیم مدیریت کارخانه سیمان تهران مبنی بر کاهش سود ویژه پرداختی به کارگران، آنان به عنوان اعتراض، در روز پنجم اسفندماه، متحدانه به مدت چند ساعت دست از کار کشیدند. در پی این اقدام کارگران، تصمیم مدیریت لغوگردید و هیات‌های از سوی سازمان صنایع ملی برای بررسی موضوع به کارخانه آمد. آن‌ها که در برابر قاطعیت کارگران خود را باخته بودند، می‌گفتند مساله تنها سود نیست بلکه گروه‌ها به منظور اغتشاش کارگران را فریبته و در این اعتراض نقش داشته‌اند.

اعتراض کارگران کارخانه چیت تهران

در کارخانه چیت تهران مدیریت برای حقوق دی‌ماه کارگران دندان تیز کرده بود. بدین علت به جای حقوق مبلغی به عنوان علی‌الحساب به کارگران پرداخته شد. اما این اقدام موجب واکنش جدی کارگران گردید. آن‌ها دسته‌جمعی اعتراض نموده خواهان پرداخت کامل حقوق خود شدند، در نتیجه مدیریت مجبور گردید بلافاصله حقوق کارگران را بپردازد.

تعطیل کارخانه‌ها به دلیل نبود سوخت

در اوایل بهمن ماه، گاز مصرفی کارخانه‌های پارسرام، ثبات و کامران و سایر کارخانه‌های گازسوز قریحک و رامین قطع شد. کارخانه‌ها تعطیل و کارگران به مرخصی اجباری فرستاده شدند.

در "دهه فجر" گاز این کارخانه‌ها را به شرط استفاده نیمی از کوره‌ها، تامین کردند بعد از ۲۲ بهمن مجدداً گاز کارخانه "ثبات" قطع شد و از کارگران خواستند که به مرخصی بروند. اما کارگران نپذیرفتند و همه روزه در محوطه کارخانه تجمع

ابطال اسناد مالکیت زمین‌های کشاورزان

رژیم جمهوری اسلامی آشکارا در راستای حمایت از بزرگ مالکی و حفاظت از بنای مخروبه مناسبات فئودالی کام برمی‌دارد.

ابطال اسناد مالکیت زمین‌های کشاورزان که با بهانه موقوفه بودن آنها انجام می‌گیرد، نمونه دیگری از اقدامات رژیم در حمایت از فئودال ها و علیه دهقانان محروم کشور ماست.

آنچه در "سرپند" اراک بوقوع پیوسته، جلوه‌ای از اینگونه اقدامات است. زمین‌های این منطقه که سال‌ها قبل در اختیار عزت الله خان بیات بود در سال ۴۲ تحت عنوان اراضی وقفی به کشاورزان اجاره داده شد. در سال‌های بعد، این اراضی در قلععات کوچک بین کشاورزان تقسیم شدند و در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه دولت وقت بابت فروش زمین به کشاورزان، در ازای مبلغی که خود

مقرر نموده بود، به آنها سند مالکیت داد. مدتی پیش، پس از فتوای "ولی فقیه"، از سوی اداره اوقاف اعلام شد که اسناد مالکیت دهقانان منطقه که در سالهای ۴۹ و ۵۰ صادر شده بودند، باطل می‌گردد و کشاورزان موظفند سهم موقوفه سال‌های ۴۷ تا ۵۰ و بعد از آن را بپردازند.

بمنظور اجرای این حکم، اوقاف با کمک عزت الله خان، فئودال معروف منطقه، به طرح مساله با کشاورزان پرداخت. سهم دریافتی اوقاف و عزت الله خان طبق قرار سال‌های گذشته، بترتیب ۶۰٪ و ۴۰٪ است.

در همین رابطه اقدام مشابهی نیز با همکاری حسین خاکباز از فئودال‌های معروف این منطقه و اوقاف صورت گرفته است. اوقاف طی اخطاریه‌ای به کشاورزان اعلام کرده است که می‌باید مالیات موقوفه ۲۰ پارچه از

روستاهای سرپند که زمین‌های مزروعی آنها وقفی بوده‌اند، بپردازند.

طبق این اخطاریه هر کشاورزی باید سالانه ۸ هزار تومان و دو خروار گندم پرداخت نماید. بر اساس دستورالعمل تعیین شده، کشاورزان موظفند مالیات عقب افتاده ۱۴ سال را بپردازند. اوقاف مالیات دوسال از این سالها را که به رژیم سابق پرداخت شده بود، تحت عنوان پرداخت مالیات به طاغوت، رد نموده و آنرا نیز مطالبه می‌کند.

کارگزاران رژیم "ولایت فقیه" با وقاحتی که مشخصه چنین جانورانی است کمر به خدمت بزرگ مالکان بسته‌اند و می‌خواهند هر آنچه را که دهقانان زحمتکش میهن ماطی سال‌ها با رنج کاری توانفرسا و به برکت مبارزات خویش بدست آورده‌اند از آنان باز پس گرفته بین خود واریاب- هاتقسیم نمایند. اما این زورگویی‌ها و اجحافات بیرحمانه با خشم و انزجار روستاییان روبرو گردیده است. از جمله روستاییان روستای "حک علیا" تجمع کرده، با هم عهد بستند که در برابر این گونه اقدامات ابستادگی

کنند. قبل از آن عده‌ای از روستاییان جهت طرح شکایت به مسئولین طراز اول مراجعه کرده بودند اما پاسخی نترفتند. در برخی از دیگر روستاهای منطقه نیز اعتراضات و مقاومت‌هایی صورت گرفته است.

در پی مقاومت کشاورزان، مقتدایی سختگوی شورای عالی قضایی به شهر اراک سفر کرد و طی جلسه‌ای که با حضور مسئولین جهت بررسی موضوع برگزار شده بود، به آنها گفت فعلاً دست نگه دارید! چون باید به جبهه نیرو اعزام کنیم و بچه‌های روستاییان در جبهه هستند.

فدایی نماینده سرپند نیز در سخنرانی‌های خود، از روستاییان خواست با دولت در حال جنگ همکاری نکنند! چهره کسریه فریب و جنایت در این گفته‌ها موج می‌زند.

در شرایطی که فقر، گرسنگی، بیماری، درگیری و بیکاری روز افزون بر هستی دهقانان جنگ انداخته است، کارگزاران رژیم برپای بزرگ مالکان بوسه می‌نهند برای گردآوری نیرو و کشتار در جبهه‌ها به روستاییان می‌انداشند.

جنگ ایران و عراق

ماجراجویی و جنایت

اخبار جنگ ایران و عراق که در بهمن ماه گذشته با حمله نیروهای مسلح رژیم خمینی به بندر عراقی فاو اوچ تازه ای یافت صفحات بسیاری از روزنامه های جهان را به خود اختصاص داد. احزاب و سازمان های مترقی و صلح دوست جهان و بویژه احزاب کمونیست در شماره های اخیر نشریات خود، اخبار و مقالات متعددی در مورد این فاجعه خونبار و اثرات ویرانگر آن به چاپ رسانده اند. در زیر نگاه گذرایی به سه مقاله مندرج در روزنامه های "ریزوسپاستیس" ارکان حزب کمونیست یونان، "موندو ابرو" ارکان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا و نیز ارکان مرکزی حزب کمونیست لوکزامبورگ می افکنیم؛

ریزوسپاستیس در شماره ۱۴ فوریه خود می نویسد: هیچکس نمی تواند نقش غیر مسئولانه و ماجراجویی بی آینده ای را که رژیم ایران بازی می کند، انکار کند. در حالی که اوضاع بین المللی خطرناک و بحرانی است، در حالی که کوشش های زیادی برای کاستن از شدت (خطر) و خنثی کردن حوزه های آن، انجام می گیرد، رژیم ایران وقت یافته است که اوضاع را خراب تر کند."

ارکان حزب کمونیست یونان می افزاید: "رژیم تهران به این جنگ برای حل مشکلات داخلی احتیاج دارد." و در پایان چنین می نویسد: "آن مسئله ای که در دستور روز خلق های ایران و عراق و امنیت منطقه می باشد، صلح است."

در "موندو ابرو" (شماره اول سال ۱۹۸۶) چنین می خوانیم: "شش سال است که ایران و عراق در جنگی که انگیزه های نخستین آن به فراموشی سپرده شده اند به یکدیگر خسارت وارد می کنند. کشمکش مرزی که رئیس جمهور عراق از آن بعنوان بهانه ای برای اشغال اراضی ایران استفاده کرده، امروز به عرصه دیگری کشیده شده است. جنگ در حال حاضر بر بنیادگرایی رهبران اسلامی تکیه دارد." در ادامه این مقاله پیرامون اوضاع ایران آمده است: "اقتصاد کشور منحصر بر تامین هزینه های جنگی متمرکز شده است. در نتیجه این امر وابستگی به تولید کنندگان سلاح هر روز افزایش بیشتری می یابد. "برای خرید تسلیحات از... ایالات متحده گرفته تا اسرائیل... قراردادهای تجاری، منعقد می شود."

"موندو ابرو" می افزاید: "رهبران جمهوری اسلامی به "دشمن خارجی" برای محدود شدن داخلی نیاز دارند. و تاکنون از این بهانه استفاده کرده اند." ارکان حزب کمونیست اسپانیا ضمن اشاره به سرکوب دیوانه وار نیروهای سیاسی در ایران که برای صلح و آزادی می جنگند، می نویسد: "فدائیان خلق شاید تنها گروهی هستند که در لحظه کنونی توانسته اند تشکیلات خود را در داخل دست نخورده نگاه دارند."

موندو ابرو در پایان مقاله اش چنین نتیجه گیری می کند: "در ایران، مبارزه در راه آزادی در درجه نخست مستلزم پایان دادن به جنگ است."

ارکان مرکزی حزب کمونیست لوکزامبورگ در رابطه با مقاومت فرابنده جوانان مشمول در برابر سیاست های جنگ طلبانه رژیم خمینی و موج گسترده مخالفت آنان با ادامه جنگ می نویسد: دهها هزار نفر از جوانان از معرفی خویش به اداره نظام وظیفه خودداری کرده اند. آنها با هر حساب امکان خویش کشور را بطور غیر قانونی ترک گفته اند و با نزد دوستان و بستگان خویش مخفی گردیده اند.

قطعه نامه روزنامه نگاران هند در مورد جنگ ایران و عراق

عمیق خود را از جنگ ایران و عراق ایران داشت. شورا خواستار آتش بس فوری جنگ و حل اختلافات از طریق مذاکره که به نفع بشریت صلح دوست و مردم در کشور است، شد. شورا همزمان با این مساله، نگرانی عمیق خود را در مورد سرکوب آزادی مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران ابراز کرد."

شورای ملی فدراسیون روزنامه نگاران شاغل هند، در پایان قطعه نامه از جامعه بین المللی خوارسته است که مقامات ایرانی را از ادامه ابراء، سیاستهایی که "منجر به ویرانی ایران" می گردد، بازدارند.

روز ۲۵ اسفند (۱۶ مارس) در میتینگی که از سوی "شورای ملی فدراسیون روزنامه نگاران شاغل هند" در شهر "کاتاک" برگزار شد، قطعه نامه ای به تصویب شرکت کنندگان رسید این قطعه نامه پس از درج در مطبوعات هندوستان تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی مردم این کشور نهاد.

در پستی از قطعه نامه شورا، ملی فدراسیون روزنامه نگاران که بزرگترین و قدیمی ترین تشکل روزنامه نگاران هندوستان است، چنین می خوانیم: "شورای ملی فدراسیون روزنامه نگاران شاغل هند، نگرانی

اعتراض به ادامه جنگ ایران و عراق

در آلمان فدرال

جمع کثیری از احزاب، سازمان ها، اتحادیه ها و نیز شخصیت های صلح دوست آلمان فدرال منجمله حزب کمونیست آلمان - بیلفلد اتحادیه دانشمندان و دانشجویان یونانی - بیلفلد، برنهارد هولتیک - رئیس اتحادیه سندیکاهای آلمان - پادربورن و گوئنتر همبروک، مسئول جامعه صلح آلمان (اتحاد مخالفان جنگ) - پادربورن، طی فراخوانی ادامه جنگ ایران و عراق را محکوم نموده، برخواست آتش بس فوری و نیز قطع صدور اسلحه به این دو کشور، تأکید نموده اند.

اولین کنگره کمیته صلح سوئد خواستار پایان فوری جنگ شد

در روزهای ۱۵ و ۱۶ مارس (۲۴ و ۲۵ اسفند) کمیته صلح سوئد اولین کنگره خود را در استکهلم برگزار نمود. در این کنگره مهمترین مسایل موجود در جنبش صلح سوئد و همچنین جنبش بین المللی صلح و علیه جنگ هسته ای مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. از جمله مسایل مورد بحث کنگره جنگ ایران و عراق بود که قطعنامه ای در محکوم نمودن آن به تصویب رسید. متن قطعنامه چنین است: ما شرکت کنندگان در اولین کنگره کمیته صلح سوئد در تاریخ ۱۵ و ۱۶ مارس ۱۹۸۶ در استکهلم از اخبار رسیده از جبهه های جنگ میان ایران و عراق بشدت نگران هستیم. روز ۱۲ مارس امسال ۲۰۰۰ روز از این جنگ خونین سپری شده است. لیکن رژیم های ایران و عراق به هیچ وجه قصد پایان دادن به آنرا ندارند. بر طبق گزارش منابع بین المللی تنها طی درگیری های اخیر دهها هزار نفر جان خود را از دست داده اند. جنگ همچنین امکان گسترش به تمامی منطقه خلیج فارس را دارد و بدین ترتیب خطری برای صلح جهانی نیز محسوب می گردد.

بدین سبب ما شرکت کنندگان در این کنگره ادامه این جنگ بی معنی را محکوم نموده و از رژیم های ایران و عراق می خواهیم که به هرگونه عملیات جنگی پایان داده و اختلافات فی مابین را از طریق صلح آمیز حل نمایند. اولین کنگره کمیته صلح سوئد در استکهلم ۱۵ و ۱۶ مارس ۱۹۸۶

تظاهرات ضد جنگ در سوئد

روز نهم اسفند به دعوت "کمیته سوئدی علیه جنگ ایران و عراق"، در اعتراض به موج جدید تصاعد جنگ توسط رژیم خمینی و تداوم این بربریت جنون آمیز که تاکنون جان صدها هزار نفر قربانی آن شده است، تظاهراتی در یکی از میدان های اصلی شهر استکهلم انجام پذیرفت. در این تظاهرات جمعی از ایرانیان و سوئدی ها شرکت داشتند. تظاهر کنندگان با فریاد شعارهایی علیه جنگ و طی قطعنامه ای خواهان برقراری فوری صلح بین دو کشور شدند.

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

از میان نامه‌ها

حقوق بگیر دولت

"گرسنه بودم به اولین ساندویچ فروشی سر رام پناه پردم. از میان غذاهای جورواجور درون ویتربین ارزانتیرین را سفارش داده منتظر شدم که آماده شود. صدای مردی از سمت در توجه همه را به خود جلب کرد. مردی بود میانسال با قامتی متوسط. در حالی که به چارچوب در مغازه تکیه داده بود با لحنی عاجزانه به ساندویچ فروش گفت آقا حقوق بگیر دولت هستم، گرسنه‌ام، خیلی پول ندارم اگر ممکن است ساندویچی به من بدهید. یاور کنید از گرسنگی نمی‌توانم سر پا بایستم. حقوق بگیر دولت هستم اما شرمندهم. مشتریان هاج و واج مانده بودند. حقوق بگیر دولت و گدایی؟! صاحب مغازه از تعجب دهانش باز مانده بود و نمی‌دانست چه جواب بدهد. بعد از کمی سکوت با لحن مودبانه‌ای گفت خیلی متاسفم. بروید جای دیگر ولی مرد کارمند دولت باز اصرار کرد. آقا بدون خیار شوره می‌بویید نداره. دارم از گرسنگی می‌میرم و مشتریان با تعجب به مرد نگاه می‌کردند. ساندویچ فروش دنبال حرفش را گرفت، آقا جان من چکار کنم که تو گرسنه هستی. من که مسئول سیر کردن شکم شما نیستم. من خودم باید شکم چندتا بچه فد و نیم قد را که چشمانش به دست من است سیر کنم. از خجالت کسی به دیگری نگاه نمی‌کرد. گدای حقوق بگیر دولت ظاهر خیلی محترمانه‌ای داشت و اصلاً به گدایی شبیه نبود و این بیشتر مشتریان را متعجب می‌کرد. ولی او دست بردار نبود.

همچنان با لجاجت ادامه می‌داد، آقا کوجه عم نداشتی باشد اشکالی ندارد و ساندویچ فروش با این حرفها از کوره در رفت و با عصبانیت شروع کرد که: ندارم. استغفرالله! گفتیم که ندارم؛ اصلاً از فردا باید در دکان رانخته کنم... حقوق بگیر دولت یک ریز می‌گفت گرسنه‌ام. حقوق بگیر دولت هستم. به من بگویید چکار کنم. حداقل یک نصفه ساندویچی بده. کار دیگر داشت بیخ پیدا می‌کرد. مرد که نشانه‌های پیروزی در چشم هایش موج می‌زد همه را مجدوب خود کرده بود. طوری به او نگاه می‌کردند که انگار منتظر ادامه جریبان هستند. پاک آبروی دولت را برده بود. او ادامه داد آقایی ندارد فقط نان خالی بده؛ حتی خرده نان؛ چیزی برای خوردن. ساندویچ فروش طاقت نیاورد و تکه نانی بدستش داد و گفت تو که آبروی دولت را بردی نان را گرفت و رفت پیش یکی از مشتری‌ها و گفت کارمند دولت هستم به دونه کوجه به من بده، بگذار تون خالی نخورم. و آن مشتری با خنده جوابش را داد. خودم می‌خواهم بخورم حالا همه فهمیده بودند که از آغاز هدف مرد به نمایش گذاشتن وضعیت اسفبار کارمندان دولت بوده است. مشتریان با خنده و تحسین تاییدش می‌کردند. ساندویچ فروش که موضوع را فهمیده بود گفت حالا که این طور شد بیا ساندویچ درسته برایت بپیچم. مرد می‌گفت کارمند راه و ترابری هستم، در ماه چهار هزار تومان حقوق..."

باید نصف حقوقتان را به جیبه بدهید

انجام بدم. راستی زمانی با آقای پرورش وزیر آموزش و پرورش سابق سر یک سفره آبکوش خوردم و زمانی با آقای اکرمی وزیر جدید توی یک اتاق خوابیدم. چیزی که در سخنرانی مدیر کل جدید به گوش نمی‌خورد مشکلات و مسایل کارکنان بود. در آخر برای خالی نبودن عریضه سخنرانی خود را چنین ادامه داد: "برادران! من از گوشه و کنار شنیده‌ام که بعضی‌ها می‌گویند حقوقمان کم است، باید به آن عده از دوستان بگوییم که حقوق ماه قبل شهر گردگان را از دارائی اصفهان قرض کردیم و خیلی خوش شانس بودید که بعد از ۵ روز ناخبر دریافت داشتید. ما هنوز به کارکنان شهر کرد حقوق پرداخت نکرده‌ایم. تازه باید خدایا شکر کنید که همین مستوری را به شما می‌دهیم والا ما در حال جنگ هستیم و شما باید نصف حقوقتان را به جیبه‌ها بدهید. من کسی را می‌شناسم که تمام حقوق خودش را به حساب جیبه واریز می‌کند."

البته بعداً منوجه شدیم که ایشان هر کجا سخنرانی داشتند همین حرفها را آنجا هم گفته‌اند که "به کارکنان فلان منطقه حقوق نداده‌ایم ولی حقوق شما را زودتر پرداخت می‌کنیم". بعد از یک ساعت که نوبت به نماز ظهر رسید کارکنان آموزش و پرورش حاضر در مسجد یکی یکی از مسجد بیرون آمدند و آقای مدیر کل جدید را با تعداد انگشت شمار طرفداران خود تنها گذاشتند. و بدین ترتیب این سخنرانی که برای رسیدگی به مسایل و مشکلات کارکنان ترتیب داده شده بود پایان یافت بدون اینکه مشکلی حل شده و خواسته‌ای برآورده شده باشد.

"وقتی که خبر تعویض مدیر کل آموزش و پرورش استان چهارمحال بختیاری به گوش کارکنان، مربیان و آموزگاران شهرمان (گردگان) رسید، این خبر را به فال نیک گرفته و خوشحال شدم. خوشحالی ما بیشتر از این بابت بود که فکر می‌کردیم با آمدن مدیر کل جدید مشکلاتمان و از آن جمله مسئله رسمی شدن آموزگاران حل خواهد شد. آموزگاران غیر رسمی برای رسمی شدن بایستی مراحل مختلف ۵ ساله‌ای را بگذرانند؛ ۱ سال حق التدریسی، ۲ سال پیمانی و ۲ سال آزمایشی. در این مدت ماهانه از ۲۷۰۰ تومان الی ۳۰۰۰ تومان مزد دریافت می‌کنند، که با توجه به گرانی کفاف خرج یک نفر را نیز نمی‌دهد. بعد از این مدت نوبت به تحقیق می‌رسد. اگر کارمندی از تحقیق قبول نشود بجای حکم رسمی، حکم اخراج خود را دریافت می‌کند. این گونه کارمندان دیگر حق کار در هیچ اداره دولتی را نخواهند داشت.

مدیر کل جدید استان، جدیدی نام دارد و اوایل دی ماه ۶۴ برای سخنرانی به شهر گردگان آمد. محل سخنرانی مسجد اعظم شهر بود. کارکنان آموزش و پرورش شهرمان برای مطرح کردن خواسته‌ها و مشکلات خود در محل سخنرانی حاضر شدند. آقای مدیر کل سخنرانی خود را با ذکر یک آیه و تفسیر نیم ساعت آن آغاز کرد و در شرایطی که حضار با مدیریت مشغول صحبت بوده و از خواسته‌هایشان حرف می‌زدند آقای مدیر کل از زندگی خصوصی خود سخن می‌گفت: "زنم در اصفهان زندگی می‌کند. ۲ دختر دارم و خودم باید در شهر کرد باشم. شما ببینید زندگی این چنانی چقدر مشکل است، تازه کارهای مردم و کارکنان اداره را نیز باید

همه‌شان به خون ما تشنه‌اند

نی‌توانست بنشیند. انتظار داشت که مردم جواب سرباز را بدهند ولی برخلاف انتظار "آقا" مسافری سکوت کرده همه چشم به دهن جوان دوخته بودند. یکی از مسافری که متوجه برآشفتنی آخوند شده بود رو کرد به او گفت: شما به دل نکیر، بگذار حرفش را بزنند. دیگری بفهمی، نفهمی آخوند را چسبیده بود. جوان گاهی حرف‌هایی می‌زد که مردم از شدت خنده روده‌بر می‌شدند. در اولین ایستگاه آخوند عبایش را جمع کرد و سریع از اتوبوس پایین پرید. بحث گرم‌تر شد. جوان در ایستگاه بعدی پیاده شد.

"داخل اتوبوس شرکت واحد نشسته بودم. اتوبوس مملو از جمعیت بود جوانی بلند بلند و بی‌پروا حرف می‌زد. از سخنانش پیدا بود که سرباز است و از جیبه می‌آید. با صدای بلند می‌گفت آخوندها همه‌شان دروغ‌گو هستند. همه‌شان به خون ما تشنه‌اند. من از جیبه می‌آیم ما را به خاک بیگانه می‌فرستند. ما که نمی‌خواهیم جایی را تصاحب کنیم. جنگ را این‌ها تمام نمی‌کنند. همه‌شان دروغ می‌گویند. آخوندی که در صندلی بغل دستی‌ام نشسته بود از حرف‌های این سرباز سخت برآشفته شده بود. سرجایش

مخالفت با جنگ ایران و عراق در ژاپن

اسفند خود را به آخرین تحولات جنگ اختصاص داده، تحت عنوان "جنگ ایران-عراق" نوشت؛ "مردم ژاپن نمی‌توانند بفهمند چرا ایران و عراق جنگ بی‌بوده‌شان را ادامه می‌دهند. می‌توان این جنگ طولانی را بی‌فایده و احقانه نامید چرا که بسیاری برای هیچ کشته شده‌اند!"

این روزنامه سپس ضمن درج آخرین رویدادهای جنگ، اثرات تهاجم اخیر ایران را مورد بررسی قرار داده آثار موجب تشنج بیشتر در منطقه دانست. "ماینینگی" در پایان بر ضرورت برقراری صلح میان دو کشور تاکید کرده است.

با شروع عملیات والفجر ۸، به دعوت انستیتو علمی آسیا-آفریقا، در روز ۲۲ فوریه (۲ اسفند) نشست جهت بررسی اثرات جنگ فاجعه‌آمیز ایران و عراق برگزار گردید. در این نشست یکی از استادان برجسته دانشگاه "ای ای موری" به سخنرانی پیرامون وضعیت جاری جنگ پرداخت و ادامه آن را علیه منافع خلق‌های ایران و عراق دانست.

شرکت کنندگان در این نشست ضمن ابراز همدردی با مردم دو کشور، مخالفت عمیق خود را علیه سیاست ادامه جنگ ایران نمودند. همچنین روزنامه انگلیسی زبان "ماینینگی" چاپ ژاپن، سرمقاله چهارم

قابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گوشه‌هایی از فعالیتهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور



مشعل رزم حماسی فدائیان خلق، تابان و پرفروغ بر توانشان است و هر دم فروزش بیشتری می‌یابد. فعالیت‌های گسترده سازمانگر و افشاکرانه فدائیان خلق در هم شکستن پایه‌های لرزان حکومت خمینی را هدف قرار داده است. بر اساس بریده‌هایی از گزارش‌های تبلیغی پرتوی از این رزم پرشکوه را بازتاب می‌دهیم.

در گزارشی از تهران آمده است: "در کارخانه داروپخش چند دقیقه قبل از پایان کار در رختکن کارگران داخل لباس عده‌ای از زنان اعلامیه گذاشته شد. ولی انجمن اسلامی متوجه موضوع گردید و اعلامیه‌های رختکن را جمع نمود اما متوجه لباس کارگران نشد. وقتی کارگران لباس می‌پوشیدند متوجه شدند که در توی لباس اعلامیه هست. اکثر آنها اعلامیه را در جیب گذاشته و با خودشان بردند. تنها یکی از آنها اعلامیه را در آورده بود و با داد و فریاد می‌گفت، انجمن اسلامی کجاست. چرا اجازه می‌دهند که این فدائیاها اعلامیه پخش کنند. اگر مرا در خیابان می‌گرفتند چه جوابی می‌دادم. شلوع کردن این کارگر نیز عده‌ای را در جریان قرار داد. روز بعد تمامی کارخانه از پخش تراکت و اعلامیه توسط فدائیان صحبت می‌کردند."

مورد شعار نویسی بزرگ با رنگ و اسپری روی دیوار، بر چسب تبلیغی روی دیوار و کیوسک تلفن ۲۰۰ عده، شعارنویسی روی دیوار ۲۵۰ مورد و ...

* درپختی از یک گزارش تبلیغی می‌خوانیم، "در روز ۲ اسفند دو مورد پخش اعلامیه توسط اتوبوس شرکت واحد صورت گرفت در سقف اتوبوس در حال حرکت اعلامیه‌های سازمان پخش می‌شد و اتوبوس پیش می‌رفت. عابریں کنار خیابان اعلامیه‌ها را بر می‌داشتند."

درپختی از یک نامه آمده است: "در روز ۱۶ آذر در دانشگاه آزاد اعلامیه سازمان پخش شد. پس از مدتی پاسداران آمدند و گفتند

* اعلامیه زیر در کارخانه مزد در ارتباط با عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل منتشر شد

اتحاد و همبستگی ضامن پیروزی است

کارگران مبارز کارخانه مزد!

همان‌طور که اطلاع دارید به پیروی از سیاست ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی، مدیریت کارخانه مزد مدت‌نزدیک به ۳ ماه است که طرح طبقه‌بندی مشاغل را در دست اجرا دارد و در این مدت طولانی تمامی خواسته‌های شما را مسکوت گذاشته و وعده سرخ‌رمن می‌دهد و هر گونه خواسته صنفی، حقوقی و غیره که مطرح می‌شود چماق طرح طبقه‌بندی مشاغل را بر آن می‌کوبد. و بعد از این مدت هنوزم از امضای آن سرباز می‌زند. یقیناً اگر شما تا سه سال دیگر هم اعتراض نکنید همین کار را خواهند کرد. پس بایکپارچگی برای اجرای فوری طرح اقدام کنید. همان‌طور که در سال ۶۲ با کم‌کاری و کاهش تولید در گرفتن حق تولید موفق شدید که می‌تواند تجربه بزرگی برای شما باشد، بابتکار آن اجرای فوری طرح را عملی سازید. با امید پیروزی شما و تمام کارگران ایران.

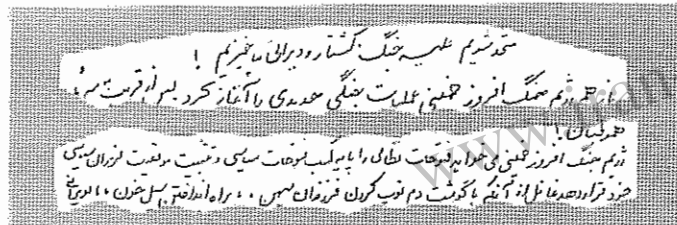
از طرف کارگران پیشرو صنایع اتومبیل‌سازی
پیش به سوی تشکیل سندیکاهای کارگری

شود ولی این مساله صورت نگرفت چون این دبیرستان از ۲ ساختمان جداگانه تشکیل شده است. در ساختمان دیگر کلیه شکلاتها به نام اینکه شکلاتهای انجمن اسلامی است توزیع شد. این مساله مثل میب در مدرسه تاکید همه جا از ابتکار فدائیاها و شکلات آنها صحبت می‌کردند. نزدیک ظهر ماشین کمیته آمد و از مدرسه بازرسی شدیدی بعمل آورد.

یک واحد از فدائیان خلق در اصفهان چنین گزارش کرده است:

"۱۵۰۰ اعلامیه در ارتباط با قانون کار در بعد از ظهر روز ۶۴/۱۰/۱۶ در مناطق بزرگمهر، نشاط و همچنین ملک توزیع شد. قبل از آن در روز ۶۴/۱۰/۱۱ ۲۸۰ اعلامیه در مورد قانون کار توزیع نمودیم. همچنین در ۲۶ دی ۲۰ مورد شعارهای سازمان بر روی کیوسکهای تلفن و دیوارهای سنگی و ۵۰۰ تراکت مرگ بر خمینی در مرکز شهر، ایستگاههای واحد و خیابان اردیبهشت و شاپور پخش شد.

در روز ۱۵ دی نیز در مورد یک واقعه درون دانشگاه تعداد ۱۰۱ اعلامیه و ۱۰۰ تراکت پخش شد."



* در گزارش تبلیغی واحدی از فدائیان خلق در تهران از جمله آمده است! "در آستانه ۲۲ بهمن از طرف ... اقدامات زیر صورت پذیرفت: پخش تراکت و فراخوان بمناسبت ۱۹ بهمن ۱۰۱۹۲ عدد نوشتن شعار بر روی اسکناس ۹۹ مورد، شعارنویسی ۵ مورد، ۱۰۷۲ مورد پست اعلامیه. همچنین در دانشگاه ملی، دانشکده دندانپزشکی، خیابانهای دانشگاه، پارکینگ‌ها، پله‌ها، سالنهای داخل چند دانشکده و همین‌طور در مسیر دانشگاه تا پارک وی و در دبیرستان ۲۲ بهمن پخش اعلامیه صورت گرفت. از بالای ساختمان پزشکان نیز اعلامیه پخش شد."

یک گروه از فدائیان جوان از تهران می‌نویسد:

"در دبیرستان دخترانه اکباتان قرار بود در ۲۱ بهمن شکلاتی را که انجمن پخش می‌کند، با شکلاتهایی که ما در آن شعار و تراکت سازمان در مورد ۱۹ بهمن را گذاشته بودیم عوض

* در نامه‌ای از شاهین شهر (۲۰ کیلومتری اصفهان) نوشته شده است: "روز جمعه یعنی ۶۴/۱۲/۱۶ در شاهین شهر تعداد زیادی اعلامیه‌های سازمان علیه جنگ و بخصوص حملات اخیر ایران پخش شد. همچنین با وسعت زیادی شعارهای "مرگ بر خمینی جنگ فروز، زنده باد آزادی" بر دیوارها نوشته شد. از ساعت ۶ صبح بسیجیها مشغول پاک کردن شعارها شدند. روز شنبه بخصوص شاهین شهر جو پلیسی بخود گرفته بود و گشت‌های سیاه در تمام خیابانها زیاد شده بودند مردم می‌گفتند که دیشب فدائیاها اعلامیه پخش کرده‌اند. البته ما در این کار هیچگونه دخالتی نداشتیم."

* در یک نامه خانوادگی آمده است: "بر درو دیوار شهر خرم‌آباد شعارهایی علیه جنگ و برای برقراری صلح و آزادی زندانیان سیاسی و علیه خمینی جنگ فروز با امضا فدائیان خلق (اکثریت) نوشته می‌شود که مامورین مداوما با رنگ آنها را پاک می‌کنند."

بقیه از صفحه اول

یازده سال از شهادت جزنی و یاران او گذشت

کنار یکدیگر قرار داشتند به روشنی نشان می داد که رژیم شاه به یک انتقام جویی حیوانی از انقلابیون پرداخته است.

خبر همه را اندوهگین ساخت. در زندان و خارج از زندان. بودن رفیق جزنی در میان این عده تاجر ناشی از خیر را بسیار عمیقتر می ساخت. جزنی فراتر از یک فرد معین بود. اوسپل اندیشه و پایداری نسلی از انقلابیون بود که خروشان رو به سوی آینده می تاختند.

جزنی آغازگر راه فدائیان بود و تکامل این راه، در درجه اول مدیون اندیشه و خرد و تلاش اوست. رفیق جزنی در سال ۴۲ گروهی تشکیل داد که بعدها به نام خود اوشهرت یافت. این گروه مارکسیست - لنینیست پیشاهنگ مرحله تازه ای از مبارزه انقلابیون کمونیست گشت و تاثیری از خود به جا گذاشت که در دوره خودی نظیر است.

بعد از دستگیری رفیق جزنی و جمعی از همزمان او در سال ۴۶ مبارزه گروه در در عرصه داخل و خارج از زندان ادامه یافت. در خارج از زندان رفتاری دستگیر نشده در کنار همزمان دیگر حماسه سیاهکل را آفریدند و با این حماسه موجودیت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را اعلام کردند. در داخل زندان رفقا هر یک نمادی از

مقاومت و پایداری بودند. پایداری آنان در همه جا، در این سو آن سوی میله های زندان به منبع الهام انقلابیون بدل گشت. رفقا خود داخل زندان را دگرگون ساختند و هنجارهای نوینی ارائه دادند.

رفیق جزنی کار فکری خود را در داخل زندان نیز قطع نداشت. او تا آخرین روزهای حیات خود پیوند



فکری مستمری با سازمان داشت. تجربیات را جمع بندی می کرد، به انتقاد می نشست، رهنمود می داد و راه می کشید. او در برخورد با اشتباهات و انحرافات پیشنهادها و موقیعت و بنابر اصطلاح خود او "نقش استراتژیکی" فدائیان را می شناخت و خردمندانه و نقادانه در جهت ارتقای مواضع ایدئولوژیکی سازمان می کوشید.

از جنایات رژیم خمینی

دردل شب

پسای از شب گذشته بود. صدای بولدوزر خواب از چشمانم ربود. باز هم مانند چند شب پیش غرش خفه بولدوزر دردل شب تلنن افکنده بود. این بار کنجکاو شدم. برخاستم و به روی پشت بام رفتم. می خواستم ببینم در این وقت شب بولدوزر به چه کاری مشغول است.

دو چراغ جلوی بولدوزر قسمتی از محوطه پشت قبرستان آرامنه در کیلومتر ۲۰ جاده خراسان را روشن کرده بود. بولدوزر زمین را می کند. به این کار خیره شده بودم که ناگهان بولدوزر ایستاد، انگار دیگر قدرت حفر زمین را نداشت. در پی آن متوجه شدم آمبولانس در محل حفر شده توقف کرده است. افکار پریشانی از ذهنم گذشت. شب با همه سیاهی اش جلوه گر شد. دو نفر که گویی هراسان بودند از آمبولانس پیاده شدند، به حرکت شتاب آلود آنها که زیر نور بولدوزر بیشتر به اشباح می ماندند، چشم دوختم. آنها درهای عقب آمبولانس را باز کردند و به کمک هم چیزی مانند یک گونی، یک گونی که طرح کلی بدن یک انسان را بخود گرفته بود، از آمبولانس بیرون کشیدند. بوی مرگ منتقلیم کرد رعته سردی تمام وجودم را تسخیر کرد.

آنها گونی را به داخل کودال برت کردند و باز گونی دیگری از آمبولانس بیرون کشیدند. سه، چهار... سرم داغ شده بود، پاهایم بشدت می لرزیدند. یک لحظه فکر کردم در آن پیکرهای خونین که در شبی چنان اندوهبار و هولناک به خواب رفته اند چه آرزوهای پاک و بزرگی شعور بود. به مادرانشان، به همسرانشان، به فرزندان و به عزیزانشان اندیشیدم... نمی دانم چند جسد به درون آن گور انداختند که دوباره زوزه خفه بولدوزر دردل شب پیچید. بولدوزر عقب و جلو می رفت و در گور خاک می ریخت. سرانجام کار پایان یافت. کار پر کردن یک گور دسته جمعی. جلادان سوار بر آمبولانس آنجا را ترک کردند و گورکن سنگین و آرام چوئان دژخیمی که از جنایات خویش فرسوده باشد، سنگین و آرام در حاشیه دیوار قبرستان آرامنه به راه افتاد و خود را به جاده اصلی رساند و من مانند باگور بزرگی از مبارزان بی نام و ستارگانی در دوردست آسمان.

بخت تلخی گلویم را می سوزاند. مشتهایم فشرده و فشرده تر می شد.

یکی از مشخصه های رفیق جزنی در عرصه آگاهی و اندیشه، بهره مندی چشمگیر او از جزئیات تجربیات و سیر رویدادها در متن مبارزات سیاسی تاریخ معاصر ایران بویژه تاریخچه جنبش چپ است. رفیق آنگونه از لحظه های این جنبش و رویدادهای برجسته آن سخن می گوید که همه چیز را برای مخاطب خود به صورت ملموس و زنده در می آورد. رفیق جزنی با تاکید ویژه ای که بر روی جمع بندی تجربیات جنبش داشت ماحصل تلاش خود به صورت تاریخ "سی ساله" ارائه نمود.

کشتن چنین انقلابی فرزانه ای به راستی یکی از پلیدترین اعمال رژیم سرتکون شده پهلوی است. این رژیم می پنداشت با کشتن جزنی و جمعی دیگر از همزمان او مقاومت در زندانها سستی می گیرد و جنبش انقلابی از نفس می افتد. چنین نشد. جزنی را کشتند و صداهای مبارزانه و مبارز دیگر را، جنبش راه خود را کشود و در واقع یکی از جلوه های جنبش، پایداری تا سرحد مرگ همین دلوران بود.

زمین باز هم می چرخد و تاریخ باز هم به یک اعتبار تکرار خواهد شد. تپه های اوین هنوز چه بسیار سحرگامان که شاهد کشتار انقلابیون بدست جلادان جمهوری اسلامی می باشند. اما دیر نیست که حماسه فتح دخمه ها و زندانها نیز تکرار گردد.

☆ ☆ ☆ آروز که آنها را کشتند ☆ ☆ ☆

زندان از خشم به خود می پیچید. وی انتظار چنین حرکات و روحیه ای را به ویژه از زندانیان در انتظار محاکمه نداشت. عملیات سرکوب آغاز گشت. بلندگوی بند با فاصله های طولانی اسامی افراد مورد احترام و به زعم زمانی موثر زندان را می خواند. پس از رفتن آنان شکنجه حیوانی آنان در بیرون زندان، پشت پنجره اطاقها آغاز می شد. رئیس زندان شاه می خواست با تلنن فریادهای غریزی ناشی از شکنجه در دل هراس افکنند. میکروفون "زیر هشت" ساعت ها بازو به فراخواندن زندانیان برای شکنجه مشغول بود.

قریب چهل نفر به بندهای دیتر فرستاده شدند و گروهی به انفرادی، اما رئیس زندان شاه در رسیدن به هدف خویش، در ایجاد تزلزل در روحیه پیکارجویی تماما ناکام ماند. یاد بیژن و پایداری او صد چندان بر پیکارجویی زندانیان می افزود.

سکوت جمعی کرد. هفته بعد اعتصاب ملاقات کنیم... فردای آن روز، روز ملاقات بود. زندانیان پیرو و هوادار سازمان و بسیاری دیگر با لباس سیاه به ملاقات بستگان خود رفتند. به دلیل کمیبود، لباس های سیاه تن به تن می گشت.

راس ساعت ده صبح، طبق قرار قبلی بدون آنکه کسی اعلام کند در حیاط بند تجمع و به احترام زندانیان شهید یک دقیقه سکوت برقرار شد. برای نمایش خشم و اعتراض خویش، انقلابیون زندانی در حیاط زندان به حالت نشسته تجمع کردند. مبارزین زندانی در بندهای یک، هفت و هشت از طریق حیاط بندهای دو و سه به حمام برده می شدند. تجمع نشسته به هنگام عبور این مبارزین شکوه ویژه ای می یافت.

سرمهنگ زمانی رئیس جلا

ساعت پنج ونیم بعد از ظهر بود که روزنامه ها را به داخل بند فرستادند ناگهان سکوت بندهای دو و سه زندان قصر، بند زندانیان سیاسی "زیر دادگاه" را فرا گرفت. پس از هجوم اولیه به روزنامه و خواندن آگهی ساواک، به تدریج سکوت سنگین و سنگین تر می شد. همه بهت زده همدیگر را نگاه می کردند هیچ کس یارای سخن گفتن نداشت. سکوت سنگین زندانیان بند پنج نیز از ورای دیوار بلند زندان احساس می شد. ناگهان فریاد معد آسای یک زندانی از حیاط بند پنج به گوش رسید، "بی شرف ها، آدم کش ها، قاتل ها!"

صحبت ها و تصمیم گیری های مخفیانه... باید اعتراض کرد. باید افشا ساخت. باید... فردا روز ملاقات است باید به خانواده ها واقعیت را گفت باید آن ها را به حرکت واداشت. میوه نگیریم، باید

به پیشواز اول ماه مه

فبردهای طبقاتی در مراکز جهان سرمایه‌داری

استراتژی‌های مستقل، آلترناتیو و مبتنی بر منافع زحمتکشان و مبارزه برای تحقق آنها در جریان برخورددهای طبقاتی را آغاز کرده است.

پس از سالها رشد منفی جنبش اعتصابی در شماری از کشورهای سرمایه‌داری، به ویژه طی بحران ادواری ۸۲ - ۱۹۸۰، در سال ۱۹۸۴ مبارزات کارگری افزایش چشمگیری یافت. بعنوان نمونه در آلمان فدرال، اعتصابات صنایع فلزی و چاپ برای برقراری هفته کار ۲۵ ساعته بدون کاهش دستمزد به منظور مبارزه با بیکاری جمعی، از طولانی‌ترین و سخت‌ترین اعتصابات تاریخ این کشور بود. نمونه درخشانی از پایداری و روحیه رزمی طبقه کارگر، اعتصاب کارگران معادن بریتانیا بود که در سال ۱۹۸۴ آغاز شد، یک سال به طول انجامید و کاملا رنگ سیاسی داشت. بسیاری از کشورهای دیگر، مانند فرانسه، ایتالیا، بلژیک و دانمارک نیز شاهد اعتصابات و اقدامات توده‌ای گسترده بودند.

پس از سرخوردگی نسبتا وسیع و کاهش آمادگی مبارزاتی بر اثر عواقب اجتماعی بحران و فشار سیاسی - ایدئولوژیک سرمایه‌داری، اینک به وضوح آمادگی رزمی چشمگیری در بخشهای مرکزی طبقه کارگر دیده می‌شود. بسیاری از مبارزات، با اثباتگری و همبستگی گسترده‌ای همراه است. این همه، نشان بر آن است که دوره‌ای که کارگران عواقب بحران را به سادگی پذیرفته و به فشارهای مادی و سیاسی انحصارات و دولتها، محافظه کار تن می‌دادند، به سر رسیده است.

تجارب مبارزات اعتصابی در آلمان فدرال و بریتانیا حاکی از آن است که یکی از عوامل اساسی بسیج زحمتکشان، در آمادگی آنها برای دفاع از سندیکاها و امکانات عملی و مبارزاتی آنها در برابر یورش سرمایه‌داری است. شعار "سخن بر سر بود و نبود سندیکاها است" از سوی اعضای سندیکاها مورد پشتیبانی قرار گرفته است. مثلا در آلمان فدرال در جریان اعتصابات بر شمار اعضای سندیکاها افزوده شد. البته برخی از اعضای سندیکاها نیز از عضویت آنها بیرون آمدند. اما به گفته هربرت میس، رهبر حزب کمونیست آلمان، "در تحلیل نهایی سندیکاها به همان نسبتی که سیاستی مبارزه جویانه برای دفاع از منافع کارگران را دنبال کنند، به همان نسبت برای طبقه کارگر جذاب، نیرومند و پانفوذ هستند." بقیه در صفحه ۱۴

اجتماعی - اقتصادی خود می‌شناید. در جهان سرمایه، نبرد طبقاتی شدت می‌گیرد.

در شماره‌های اخیر اکثریت، بحث‌های گوناگون، و از جمله برگرایی کنگره‌های احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی، به تلاش و مبارزه طبقه کارگر پیروزمند این کشورها پرداخته ایم. خواهیم نوشت در فرصتی که تا اول ماه مه باقی است، به چنانی از نبرد طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری بپردازیم. در این شماره، فشرده‌ای از مقاله‌ای به قلم دکتر آن ماری کلم از آلمان دمکراتیک که در شماره ۷ سال ۱۹۸۵ مجله صلح و سوسیالیسم درج شده است و به چاپ می‌رسانیم.

سدمین سالگرد سرکوب خونین کارگران شیکاگو در پیش است. کارگران جهان، امسال جشن بزرگ خود را با شکوه‌تر از هر سال برگزار خواهند کرد. صد سال، در مخیاس تاریخ بشر، دوره بسیار کوتاهی است. اما وقتی چهره جهان ۱۹۸۶ را با جهان ۱۸۸۶ مقایسه می‌کنیم، در می‌یابیم که طبقه کارگر، این سازنده جامعه نوین، چه نیروی شگرفی دار است. ظرف این صد سال، به حاکمیت سرمایه‌داری که در ۱۸۸۶ سلطه اش بلامنازع بود، در نزدیک به نیمی از جهان برای همیشه پایان داده شده است. سیستم جهانی سوسیالیستی بمقابله بزرگترین دستاورد پرولتاریا، شکوفاتر از همیشه، به استقبال افقهای نوین، به استقبال شتاب بخشیدن به رشد

تغییرات ساختار اجتماعی طبقه کارگر بر اثر تحولات تکنولوژیک، کاهش عددی گروههای محوری طبقه کارگر که دارای درجه بالایی از شکل صنفی و تجارب مبارزاتی هستند و عدم کفایت شمار اعضای جدید از میان بخشهای رو به رشد طبقه کارگر، به ویژه در میان کارمندان و کارکنان بخش خدمات، از سوی سرمایه‌داری برای کاهش سازمان یافتگی طبقه کارگر و تضعیف توان سندیکاها مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. بعنوان نمونه، در ایالات متحده، درصد کارگران عضو اتحادیه‌ها از ۲۰/۹ در صد در سال ۱۹۸۰ به ۱۵ در صد در حال حاضر کاهش یافته است. کنگره اتحادیه‌های بریتانیا در فاصله ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ نزدیک به ۲/۵ میلیون تن از اعضای خود را از دست داد.

ماده است. از مهمترین عواملی که در حال حاضر بیکاری جمعی را تشدید می‌کند، نحوه بهره‌افزایی سرمایه‌داری است که با آزاد سازی گسترده نیروی کار همراه است. به این عامل باید استفاده فزاینده سرمایه‌داری از علم و فن را افزود. انحصارات با استفاده از ادامه وضعیت بحرانی اشتغال، بر درجه استثمار افزوده و فشار روی زحمتکشان که هنوز شاغلند را بالا می‌برند. در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری دستمزدهای واقعی کاهش می‌یابد. ترس از دست دادن کار، از سوی سرمایه بعنوان اهرم موثر فشار مورد استفاده قرار می‌گیرد تا از زحمتکشان امتیاز گرفته شود. از طریق حملات وسیع به سیستم‌های تامین اجتماعی، کاهش هزینه‌های درمانی، بیمه‌های بازنشستگی، بودجه آموزش، مسکن، استراحت، و فرهنگ و حفظ محیط زیست، برای درمان نظام منززل شده بودجه دولتی به ضرر زحمتکشان کوش می‌شود. در بسیاری از ثروتمندترین کشورهای سرمایه‌داری، "فقر جدید" به وجود آمده که به ویژه گریبان بیکاران، سالخوردگان، جوانان، خانواده‌های پر فرزند، کارگران خارجی و اقلیت‌های قومی دیگر را گرفته است.

مقاومت افزایش می‌یابد

در عین حال، زحمتکشان تقریباً در همه کشورهای صنعتی سرمایه‌داری سیاست سرکوب سیاسی از سوی سرمایه انحصاری و دولت امپریالیستی زیر پرچم محافظه کاری روبرو هستند. هدف این سیاست، محدود کردن حقوق دمکراتیک و به ویژه تضعیف توان رزمی سندیکاهاست. سندیکاها در موقعیت فوق العاده پیچیده‌ای به سر می‌برند.

تشدید رویارویی طبقاتی میان کار و سرمایه، از یک سو در اعتصابات با اشکال و ابعاد گوناگون، تظاهرات متعدد و دیگر اقدامات توده‌ای زحمتکشان و از سوی دیگر بصورت حملات گسترده سرمایه انحصاری و دولت امپریالیستی به مواضع طبقه کارگر و دیگر نیروهای دمکراتیک که طی مبارزات خود بدست آورده‌اند، و نیز در سیاست تحریم هر گونه خواست اجتماعی و دمکراتیک زحمتکشان بازتاب می‌یابد.

شرایع پیچیده‌تر

این تشدید رویارویی طبقاتی، در موقعیت بسیار پیچیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ای صورت گرفته است. بحران اقتصادی ادواری، که نظام سرمایه‌داری در اوایل دهه ۸۰ بدان دچار شده بود، پایان یافته است. اما در عین حال آشکار است که رونق اقتصاد بسیار ناموزون انجام می‌گیرد و وضعیت اقتصادی از این به آن کشور و یا از این به آن رشته صنعتی، بسیار متفاوت است. روندهای عمیق بحرانی، نظیر بحرانهای ساختاری شاخه‌های کاملی از اقتصاد، ادامه دارد. حجم سرمایه‌گذاران همچنان اندک است.

مخارج هنگفت تسلیحات، رشد بحرانی سرمایه‌داری را تشدید می‌کند. پار اصلی مسایقه تسلیحاتی بر دوش زحمتکشان است.

از ویژگیهای مهم روند اقتصادی کنونی سرمایه‌داری این است که به ویژه در اروپای غربی، علیرغم رونق معین اقتصادی، بیکاری جمعی همچنان در سطح بالایی باقی

برتولت برشت، شاعر و نمایشنامه نویس کمونیست آلمانی، از چیره دست ترین سخنورانی است که عرفیت جنگ، و به ویژه جنگ امپریالیستی را به زیر شلاق و ازگان، سطور و ابیات آتشین خود گرفته اند. برشت پس از روی کار آمدن فاشیسم هیتلری در آلمان، ناچار به ترک میهن خود شد. وی بعدها در این مورد نوشت:

"هنگامی که مرا به تبعید راندند، در روزنامه های نقاش (۱) نوشتند علت آن است که من در یک شعر، سربازان جنگ جهانی (۲) را به سخره گرفته ام. در واقع نیز من یک سال قبل از به پایان رسیدن آن جنگ، هنگامی که رژیم وقت، برای به تعویق افکندن شکست خود، تیرخورده های افلیج را نیز در کنار سالخوردگان و هفده ساله ها به کام آتش می فرستاد، در یک قطعه شعر توصیف نمودم

که چگونه یک سرباز مقتول را نیش قبر کرده، در میان مهمه شادمانی همه عوامفریبان، استثمارگران و ستمگران، با اسکورت رسمی، بار دیگر به میدان جنگ می فرستند. حال که تدارک یک جنگ جدید جهانی را می بینند و مصممند در ارتکاب جنایات بر جنگ قبلی هم پیشی بگیرند، افرادی مثل من را، از آن روکه امد افشان را بر ملا می سازیم، یا می کشند و یا از کشور می رانند."

شعر "حماسه سرباز شهید" را برشت در ۲۰ سالگی سروده است. این شعر که به قوی ترین شکل تبلیغات تهنوع آور جنگ افروزان را به سخره می گیرد برای ما که اکنون در میهن مان بوی عفن این نوع تبلیغات را زیر عنوان "سیج عمومی" در همه جا پراکنده اند، مفهوم و ملاحظت خاصی دارد. ترجمه این شعر را با هم می خوانیم.

آنگاه که جنگ در بهار چهارم بود،
دورنمای صلح هم پیدا نبود،
سرباز تصمیم خود را گرفت
و به مرگ قهرمانان میرد.

اما جنگ ادامه داشت،
وقیصر را، چون سربازش مرده بود،
غم گرفت.
آخر هنوز موقعش نبود!

تابستان از فراز کوهها گذشت
و سرباز در خواب بود.
شیبی از شیها،
یک کمیسیون پزشکی نظامی سرسید.

کمیسیون به گورستان رفت،
فتوا را دادند،
و بابیل، سرباز شهید را نیش قبر کردند

پزشک، سرباز را
—ویا آنچه را هنوز از سرباز مانده بود—
به دقت دید و گفت: "مشمول است،
تعارض او از ترس است."

پس سرباز را پا خود بردند.
شب، آبی رنگ و زیبا بود.
اگر کلاه خود نداشتی،
ستارگان وطن را می دیدی.

نوشایه ای آتشین به جانش ریختند
دو پرستار و زنکی نیمه لخت،
زیر بازوایش را گرفتند.

چون از سرباز بوی عفن می آمد،
کثیسی لنگ لنگان در جلوی او به راه افتاد
دود اسفند راهمه چایر اکند
تا سرباز هوا را نکند اند.

دسته موزیک نواخت
مارش بر حرکت نظامی را.
و سرباز سر بر افراخت

حماسه سرباز شهید

برتولت برشت

گرچه ها و سگ های غرند
موشها در دشتهای بیخ می کشند
نمی خواهند فرانسوی باشند (۴)
چرا که این ننگی است.

و از روستاها که می گذرند،
زنهای جمعند.
درختها خم می شوند،
شیی مهتابی است.

و همه هورا می کشند.

می نوازند و وداع می کنند
زنان و ستان و کشیشها
و در میانشان سرباز مرده
همچون جانوری مست

و از روستاها که می گذرند،
کسی اورا نمی بیند،
از بس که زیادند دور او
از بس که می نوازند
و هورا می کشند دور او

از بس که زیادند
رقصان و پیاپیکویان به دورش،
کسی نمی بیند او را
جز از بالا، که آنجا هم فقط ستاره هست.

ستاره ها همیشه نیستند.
صبح فرامی رسد
و سرباز، چنان که آموخته
به مرگ قهرمانان می میرد.

ورژه رفت
آنسان که به او آموخته بودند.

دو بیچاره، برادرانه زیر بازویش را گرفته اند
تا مباد اتوری کل ولای بیفتد.

روی کفکش سه رنگ سیاه و سفید و سرخ (۲) را کشیده اند
تا رنگ کثافت را بپوشاند



(۱) کنایه از هیتلر که در مورد خودش نوشته بود که در جوانی نقاش ساختمان بوده ام.

(۲) منظور جنگ جهانی اول است.

(۳) رنگهای پرچم آلمان قیصری

(۴) اشاره به جو شونیستی حاکم بر آلمان در آن هنگام

آقایی هم با لباس رسمی پیشاپش رژه می رفت،
زیر لباسش بر روی سینه پنبه چپانده بود.
آلمانی بود و وظیفه اش را
خوب می دانست.

می نواختند و از جاده تاریک می رفتند.
و سرباز تلو تلو خوران هم امیشان می کرد.
گویی برفی بود که توفان می بردش

یقیه از صفحه اول
جزیره را دارند. در این کشورها، ایجاد صنایع مدرن هنوز در مرحله پایه‌ای است، در حالیکه مراکز سرمایه‌داری وارد مرحله بالاتری از رشد علمی و فنی می‌شوند. بدین ترتیب شکاف در زمینه رشد اقتصادی کیفیت نوینی یافته و بازهم عمیق‌تر می‌شود.
امپریالیسم با تکیه بر قدرت اقتصادی و برتری اقتصادی و فنی خود نظام کاملی از اشکال نوین اسارت آور، اعم از تکنولوژیک و مالی، ایجاد کرده است. امپریالیسم توانسته است اقتصاد

داشت. شرکتها در فروش فرآورده‌های نفتی به بهای زیاد نیز سودهای هنگفتی به جیب می‌زدند. طی دو بار بروز بحران انرژی (۷۴-۱۹۷۲ و ۸۰-۱۹۷۹)، اوپک قیمت نفت را به سطحی از لحاظ اقتصادی موجه، یعنی مرز مبلغ قابل پرداخت از سوی تقاضاکنندگان، که ۲۴ دلار به ازای هر بشکه بود، رساند. فروشنده هر کالای دیگری نیز اگر به جای اوپک بود چنین می‌کرد. اینکه تقاضا بر اثر برخی عوامل عینی و مانورهای دولتهای غربی سرپا کاهش یافت، مسئله دیگری است.

در بازار یک کالای بسیار مهم استراتژیک، مطلقاً غیر قابل قبول است، تا چه رسد به اینکه اعضای اوپک بکشند شرایط تجارت جهانی نفت را تعیین کنند. محافل حاکم ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و هلند و نیز شرکتهای این کشورها که در کنترل بین‌المللی نفت سهیمند، نمی‌توانند از دست دادن کنترل منابع نفتی، اقتصاد و سیاست گروه بزرگی از کشورهای نو استقلال را فراموش کرده و بر آنها ببخشند. غرب از تجدید توزیع ارزش اضافی ایجاد شده در جهان سرمایه‌داری به سود کشورهای اوپک و نفوذ این کشورها در کل جهان سوم ناخشنود است. امپریالیسم، اوپک را یک رقیب تضعیف شده اما سرسخت می‌داند که بدون از پا درآوردن آن، نمی‌توان همه کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را به‌زانو درآورد. از این رو، تضعیف مواضع اوپک، جز میمی از استراتژی عمومی امپریالیسم است.

برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده، دست به همه کار می‌زنند، تحریک افکار عمومی غرب علیه اوپک، باج خواهی، دامن زدن به اختلافات میان اعضای اوپک، مبارزه بی رحمانه با یکی و توافق با دیگری، و بالاخره اعمال فشار اقتصادی. در همان سال ۱۹۷۴، به کارگردانی آمریکا نوعی ضد اوپک ایجاد شد، که عبارت است از آژانس بین‌المللی انرژی. اکنون ۳۱ کشور سرمایه‌داری صنعتی عضو این سازمان هستند. وند ایبر مشترک علیه سازمان کشورهای رشد یابنده اتخاذ می‌کنند. از میان این تدابیر، تنها به مصوبه‌ای در سال ۱۹۷۹ اشاره می‌کنیم که طبق آن، قرار شد ذخایر نفتی برای اعمال فشار بر بازار جهت کاهش قیمت‌ها افزایش یابد. در عین حال، بریتانیا و نروژ استخراج نفت خود را افزایش داده و با اوپک در اروپای غربی یعنی بازار فروش سنتی آن به رقابت برخاسته‌اند. در فاصله ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۵، تولید نفت انگلیس از ۸۰ به ۱۲۹ میلیون تن و تولید نروژ از ۲۴ به ۲۸ میلیون تن، افزایش یافت. اوپک کوشید اعتراض کنند، بریتانیایی‌ها و نروژیها را دعوت به همبستگی نمود و در جهت نشان دادن نیت خود، استخراج نفت را کاهش داد. بریتانیا و نروژ واکنشی نشان ندادند.

ماجرای قیمت‌ها

در نخستین ماههای سال جاری در بازار نفت قیمت‌ها سقوط کرد. این روند در اوایل ژانویه آغاز شد. تا اواسط مارس قیمت نفت خریداری شده توسط کارخانجات فرآیند نفت بر اساس قراردادهای دراز مدت، به میزان نیمی از رقم اوایل دسامبر ۱۹۸۵ سقوط کرد. قیمت نفت در قراردادهای یک باره بازار روتردام در مورد نفت بریتانیا، در همین مدت از ۲۰/۴ به ۱۲/۲ الی ۱۵ دلار برای هر بشکه، در مورد نفت صادراتی مکزیک به آمریکا و نفت دویی به ۱۱ الی ۱۱/۵ دلار کاهش یافت بدین ترتیب، بازار جهانی سرخپه‌داری طرف ۱۲ سال، سومین تکان بزرگ را از سرگرداند. اما این بار قیمت‌ها به جای افزایش کاهش یافت. اگر در نظر آوریم که قدرت خرید دلار آمریکا از ۱۹۷۱ تا کنون به کمتر از نصف رسیده است، بهای نفت تا ۵ الی ۷ دلار، یعنی سطح اکتبر ۱۹۷۲، کاهش یافته است.

اوپک و غرب: چه کسی بهای نفت را پایین می‌آورد و با چه هدف؟

نفت در استراتژی نو استعمار

مصرف نفت به ازای هر ۱۰۰۰ دلار تولید ناخالص ملی، در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۲، از ۴۷۰ به ۲۲۰ کیلوگرم و سهم نفت در مصرف انرژی در فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۴ از ۴۹ درصد به اندکی بیش از ۴۱ درصد کاهش یافت. مصرف تولیدات نفتی در جهان سرمایه‌داری در فاصله ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۲ افزایش نیافت. میزان استخراج نفت در فاصله تا ۱۹۸۵، از ۲/۴ میلیارد تن به ۲ میلیارد تن کاهش یافت و امروز در سطح ۱۹۷۱ است. در عین حال، استخراج نفت در خارج از حوزه اوپک، چه در کشورهای رشد یابنده و چه در شراری از کشورهای غربی، سرپا افزایش یافت. اوپک در تلاش خود برای پیشگیری از کاهش سرپا بهای نفت، ناچار گردید نقش "فروشنده ذخیره" را بر عهده گرفته و در فاصله ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵، استخراج نفت را از ۱/۵۳۵ میلیارد به ۷۹۲ میلیارد تن کاهش دهد. سهم اوپک در میزان استخراج نفت مورد نیاز کشورهای سرمایه‌داری در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵، از ۶۴ به ۴۰ درصد و در صادرات از ۹۲ به ۶۰ درصد کاهش یافت. اما این نیز وضعیت را تغییر نداد. از سال ۱۹۸۲، عرضه بر تقاضا پیشی گرفت و حجم نفت مازاد بر نیاز گردید. از آن پس در بازار، خریدار حکم فرما گردید.

از ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵، اوپک ناچار شد قیمت نفت خام خود را به ۲۸ دلار برای هر بشکه کاهش دهد. بدین ترتیب کل درآمد کشورهای اوپک از فروش نفت، در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ از ۲۷۵ به ۱۵۷ میلیارد دلار کاهش یافت.

ریشه این پدیده‌های منفی نه تنها به روندهای عینی، بلکه به سیاست هدفمند امپریالیسم نیز باز می‌گردد. شرکتهای نفتی هنگامی که در آغاز سالهای ۷۰ ضرورت آغاز استخراج بر خرج منابع نفتی آلاسکا و دریای شمال را احساس کردند، با حمایت محافل حاکم ایالات متحده آمریکا و بریتانیا حتی اوپک را مخفیانه به افزایش قیمت‌ها ترغیب کردند. ابتکار بروز بحران دوم انرژی (۱۹۸۱-۱۹۷۹) عملاً در دست شرکتهای نفتی آمریکا بود که می‌خواستند از این طریق ضررهای وارده به خود از طریق تورم را جبران کنند.

برای محافل حاکم غرب و انحصارات آنها، ادامه حیات اتحادی مرکب از کشورهای رشد یابنده

کشورهای رشد یابنده را بازهم بیشتر در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری ادغام کند و از این طریق، اقتصاد این کشورها را در برابر نوسانات اقتصادی آسیب پذیرتر ساخته است.

کشورهای صنعتی سرمایه‌داری بخش بزرگی از لطامت ناشی از بحران اقتصادی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ را به دوش کشورهای رشد یابنده منتقل کرده‌اند. این امر به کاهش بازهم بیشتر بهای مواد خام صادراتی این کشورها انجامیده است. قروض خارجی این کشورها در شرایط افزایش سرپا نرخ بهره وام‌های بین‌المللی، به هزار میلیارد دلار رسیده است. کشورهای رشد یابنده برای پرداخت قروض خود ناچارند سهم فزاینده‌ای از تولید اجتماعی را در اختیار طلبکاران غربی بگذارند. از این رو طبیعتاً است این کشورها نمی‌توانند برنامه‌های رشد خود را اجرا کنند و هرچه بیشتر به امپریالیسم وابسته می‌شوند. غرب از این موقعیت بهره گرفته و خواهان باز شدن درهای اقتصاد جهان سوم به روی شرکتهای فراملیتی است.

امپریالیسم در حمله متقابل به کشورهای نو استقلال، همچنین از روندهای عینی‌ای که پس از افزایش بهای مواد خام در اقتصاد غرب به وقوع پیوسته‌اند، سود جسته است. در غرب برای صرفه جویی مواد خام، طرح و اجرای تکنولوژیهای کم مصرف در زمینه مواد خام، استفاده از مواد اولیه مصنوعی، فرآیند دوباره مواد مصرف شده و دستیابی به منابع زیر زمینی تدابیری صورت گرفت. این امر به کاهش میزان مصرف مواد خام درازای هر واحد تولید اجتماعی و کاهش وابستگی به واردات از آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین انجامید.

یورش به اوپک

روند مشابهی نیز در صنایع نفت صورت پذیرفت. افزایش بهای نفت از سوی کشورهای اوپک، قانونی و از لحاظ اقتصادی موجه بود. شرکتهای تا اوایل دهه ۷۰، بهای نفت را در سطح بسیار پایینی نگه داشته بودند تا به کشورهای که در آنجا امتیاز داشتند، مالیات کمتری بپردازند. در فاصله ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، یک بشکه (۱۵۹ لیتر) نفت سعودی تنها ۱/۸۰ دلار، و در حقیقت از این نیز کمتر، قیمت

اندوختی، و نزول و نیز کشورهایمانند الجزایر و نیجریه را تحت تاثیر منفی قرار خواهد داد و آنها را نابار خواهد ساخت و امهای بیشتری گرفته و در مسیر سیاست خارجی و اشکتن قرار گیرند. نکته برجسته این است که ایالات متحده علاوه بر اعمال فشار اقتصادی بر لیبی، دشمن اصلی آمریکا در میان اعضای اوپک، علیه این کشور اخیرا از طریق تهدید به مداخله نظامی نیز دست به باج خواهی زده است. در محافل آمریکا همچنین این امر که کاهش قیمتها علیه اتحاد شوروی نیز هست، کتمان نمی شود. اتحاد شوروی نیز در زمره فروشندگان نفت به بازار سرمایه داری است.

واشنگتن برای دستیابی به اهداف خود، آگاهانه برای شرکتها نفتی آمریکایی که درآمد آنها تنید با کاهش یافته، مشکلاتی ایجاد کرده است. به ویژه شرکتها متوسط که مقروض هستند، مجبور شده اند برخی از پروژه های پرخرج و کم صرفه خود را تعطیل کنند. ضرر این روند متوجه بانکهای می شود که بزرگترین بهکارگران در میان صادرکنندگان نفت، وام داده اند.

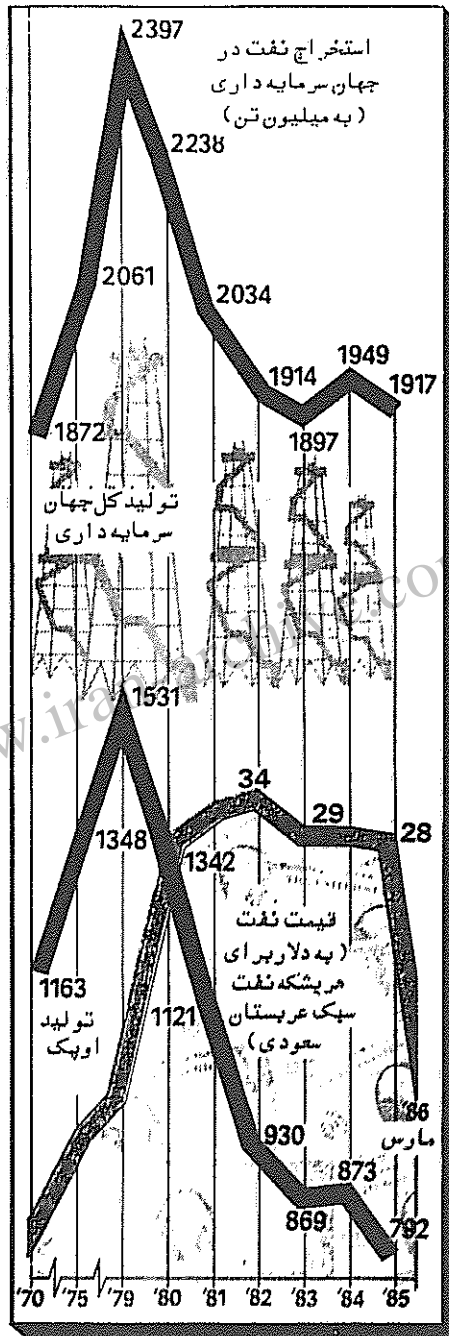
موضوع شرکتها نفتی چند ملیتی آمریکا در قبال کاهش قیمتها پیچیده تر است. این شرکتها به وضوح با اهداف سیاسی دولت همبستگی نشان داده و تا حد معینی نیز با کاهش قیمتها موافقت آنها می خواهند جلوی صرفه جویی در مصرف نفت و جایگزینی سایر منابع انرژی به جای نفت را بگیرند، جهان را به نفت "معتاد" کنند، سپس کمبود نفت مصنوعی به وجود آورند و بازار قیمتها را افزایش دهند. به نوشته "فورچن"، ارگان محافل سرمایه داری آمریکا، مورخ ۱۷ فوریه، "شرکتها عظیم نفتی بطور کلی خوش بین بوده و به روز شاید دوری می نگرند که در آن باز کمبود نفت بروز خواهد کرد." اما هرچه قیمتها پایین تر می رود، این شرکتها هم نگرانی بیشتری در مورد اقتصادی بودن استخراج نفت خود در دریای شمال و آلاسکا ابراز می دارند. منبوعات غرب مقالات هرچه مفصل تری در این باره درج می کنند که با وجود قیمتها نازل، دیگر سرمایه گذاری در اکتشافات و استخراج منابع با مخارج بالای تولید صرف نمی کند و این امر به کاهش جدی استخراج نفت کشورهای غربی انجامیده و در اوایل دهه ۸۰، به افزایش وابستگی به اوپک منجر خواهد شد. اظهار نظر شرکتها نفتی مستقل در این زمینه، از این هم صریح تر است. این شرکتها خواهان برقراری مالیات نفت و تولیدات نفتی از سوی دولت شده اند.

محافل حاکم بریتانیا از شرکت در اقدامات مشترک با اوپک سر باز می زنند. آنها اطمینان دارند که تاثیر نیرومند کاهش مخارج مربوط به انرژی بر رشد کل اقتصاد، ضرر ناشی از کاهش بهای نفت را جبران می کند.

ضرورت یکپارچگی

در کشورهای رشد یابنده صادرکننده نفت، درک روز افزونی درباره عوامل کاهش قیمت نفت و علت آن وجود دارد. روزنامه المجاهد چاپ الجزایر در شماره ۱۸ فوریه خود این روند را "تجاوز اقتصادی بیسیاسی" نامید. "لاهور" چاپ اکوادور در ششم فوریه نوشت: "کاهش بهای نفت چیزی از بقیه در صفحه ۱۴

برای تولید ناخالص ملی آمریکا در سال جاری افزایشی به میزان ۲/۲ تا ۲ درصد و بایبشتر، پیش بینی می کنند. در آمریکا همچنین این نظر اظہار می گردد که قیمت پایین نفت در شرایط کاهش نرخ دلار نقش موتوری در ستاب بختیدن به رشد اقتصاد اروپای غربی و ژاپن ایفا خواهد کرد. این را از عواملی می دانند که می تواند به اقتصاد سرمایه داری



کمک کند تا رشد ادواری خود را تمدید نموده و از دچار شدن اقتصاد به بحرانی جدید در همین سال ۱۹۸۶، جلوگیری نماید.

نکته ای که در آمریکا بدان اهمیت ویژه ای می دهند، این است که روند جاری، جناح رادیکال اوپک، و به ویژه لیبی، الجزایر و نیجریه را تضعیف کرده و به آستانه ورشکستگی خواهد کشاند، موازنه پرداختهای کشورهای با قروض زیاد نظیر مکزیک،

تمام شواهد حاکی است این کاهش چشمگیر ریشه در نسبت واقعی عرضه و تقاضا در بازار جهانی نداشته است. اوایل دسامبر ۱۹۸۵، قیمت نفت نوع سبک (عربی) که سالها نقش استاندارد جهانی را داشت، در روتردام به ۲۷/۹ دلار برای هر بشکه افزایش یافت، و این در حالی بود که در پاییز گذشته، اوپک تولید نفت خود را علیرغم میزان ۸۰۰ میلیون تن تعیین شده به سالانه ۹۰ میلیون تن افزایش داده بود. افزایش قیمت ها طبق معمول در آغاز فصل سرما صورت گرفت. انتظار می رفت مثل هر سال در بهار قیمت اندکی کاهش یابد، اما فقط اندکی، زیرا استخراج نفت بریتانیا، رقیب اصلی اوپک، از بهار سال گذشته بدین سو دیگر افزایش نیافته و به بالاترین حد ممکن خود رسیده بود.

اما برخلاف انتظار، اوایل ژانویه در بازار نفت روتردام هراس عمومی و هرچ و مرج به راه افتاد. قیمتها به ویژه در قراردادهای یک باره روبه کاهش گذاشت، آنهم اغلب بدون وجود خود کالا. این موج به بورس بازرگانی نیویورک هم رسید. سهام شرکتهای نفتی و بانکهای متحد آنها، حتی "چیس مانپاتان بانک" را کفلسر سقوط کرد.

علت چه بود؟ کارشناسان غربی به تصمیم اوایل دسامبر سال گذشته هفتاد و ششمین کنفرانس اوپک اشاره می کنند که اوپک در آن تصمیم گرفت برای تأمین سهم شایسته ای در بازار بکوشد. این ناظرین همچنین به تهدیدات عربستان سعودی مبنی بر حفظ سطح تولید خود به میزان ۲۱۷ میلیون تن در سال و کاهش قیمتها به ۱۵ الی ۲۱ و یا حتی ۸ دلار در صورت عدم پیوستن بریتانیا و نروژ به تلاشهای اوپک برای تثبیت بازار و عدم کاهش استخراج نفت آنها اشاره دارند. این ناظرین علاوه بر این موضوع دیگری ریگان را مطرح می سازند که گفته است آمریکا موفق گردیده اوپک را "به زانو در آورد".

اما صریحا بگویم، تاکنون بی بردن به اینکه سقوط قیمتها چگونه صورت می گیرد، دشوار است، زیرا عوامل آن، به سختی پرده پوشی می کنند.

فعلات فقط می توانیم بکوشیم بطور عینی روشن سازیم چه کسی از این امر سود می برد. فورا می توان چنین نتیجه گیری کرد که به ویژه ایالات متحده سود می برد. طبق نوشته مجله آمریکایی تایم، "دولت ریگان در واشنگتن کاهش قیمت نفت را به حساب پیروزی خود گذاشته و قصد ندارد کوچکترین اقدامی در جهت متوقف کردن این روند انجام دهد." دو روند همزمان برای آمریکا منافع اقتصادی همراه داشته اند، کاهش نرخ دلار از فوریه ۱۹۸۵ و کاهش بهای نفت. این دو عامل بعنوان کاتالیزور برای اقتصاد آمریکا که دچار رکود جدیدی شده است، و نیز برای کاهش آهنگ رشد تورم و کسری بودجه عظیم (۱۴۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵) از طریق ارزان شدن واردات نفت مورد استفاده قرار می گیرد. روزنامه "فیلادلفیا انکوائیر" در شماره ۲۵ فوریه خود نوشت: "به نسبت کاهش بهای نفت و نرخ دلار، می توان تقریبا بطور محسوس دریافت که چگونه صنایع آمریکا از باری سنگین رهایی می یابند." پیونده نیست که در ماه فوریه، شاخص "داو-جونز" که شاخص معاملات اقتصادی است، به سرعت تا ۱۶۹۷/۷۱ واحد بالا رفت. بسیاری از موسسات تحقیقاتی آمریکایی در رابطه با کاهش قیمت نفت

نبردهای طبقاتی در مراکز جهان سرمایه‌داری

بقیه از صفحه ۱۰

تغییرات در اشکال مبارزه و خواست‌ها

جالب توجه آن است که در کنار اشکال سنتی اعتصابات، اشکال نوین و متنوعی آزموده و به کار گرفته می‌شود. از آنجا که بر اثر اعمال فشار سرمایه انحصاری، اثر بخشی اعتصابات "سطحی" پایین آمده، برخی دیگر از اشکال مبارزه توده‌ای سندیکایی به کار گرفته می‌شود، که از آن جمله است "اعتصابات اختطاری"، اعتصابات عمومی مدت دار، اعتصابات تناوبی، میتینگ‌ها، تظاهرات، روزهای اقدامات سراسری و راهپیمایی‌های اعتراضی. در بسیاری موارد، شیوه‌های غیر عادی، اما موثر به کار گرفته می‌شود، مانند ایجاد "دعکده‌های بیکاران" در مراکز شهری، اعتصاب غذا، تئاترهای خیابانی، سخنرانی‌های عمومی، اشغال سبلیک ساختمان ادارات و...

مبارزه علیه بیکاری جمعی نقشی محوری در مبارزات سندیکایی به خود اختصاص داده است. با توجه به میلیونها بیکار، این امر بزرگترین عرصه مبارزه اجتماعی برای سندیکاهاست. سندیکاهای باید این توهم را که پیشرفت علمی - فنی در شرایط سرمایه‌داری نیز پیشرفت اجتماعی

بهمراه دارد، کنار نهند. همه این امیدها با روندهای بحرانی سرمایه‌داری به کور سپرده شد.

طیف خواستهای سندیکاهای در عرصه اشتغال از مطالبه برنامه‌های دولتی سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال و دخالت دولتی در سیاست ساختاری تا مطالبه کاهش ساعات کار را در بر می‌گیرد.

تاکیدات جدید در مبارزات پر سر دستمزدها نیز جالب توجه است. اخیرا مطالبات مربوط به دستمزدها و ساعات کار، اغلب با خواستهایی در مورد کنترل برنامه‌های بهره‌فزایی، محدود ساختن رشد عمقی و جلوگیری از افزایش باز هم بیشتر استثمار همراه است. همچنین بطور فزاینده‌ای افزایش حقوق مشارکت زحمتکشان و ملی شدن صنایع کلیدی و قرارداد آنها تحت کنترل دمکراتیک، در زمره خواستهای قرار می‌گیرد.

از عوامل فوق العاده مهم، گسترش جنبش‌های اجتماعی و دمکراتیک یا خصصت توده‌ای در کنار مبارزات اقتصادی زحمتکشان و ایجاد رابطه متقابل میان این دو است. این امر به ویژه در مورد جنبش صلح صادق است که در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری و به ویژه در اروپای غربی، در آغاز دهه ۸۰ بعنوان جنبشی توده‌ای گسترش یافته است.

افغانستان به سوی گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب

بقیه از صفحه ۱۶

نمایندگان معتبر مردم که منافع اقشار و گروههای مختلف جامعه را انعکاس دهند، پتونه‌ای که این مقامات صرفا در انحصار حزب دمکراتیک خلق افغانستان نخواهند بود، توسعه تماس، مذاکره و تفاهم با عناصری که تاکنون ناآگاهانه در موضع خصمانه در برابر انقلاب قرار دارند و یا از اعمال ضد ملی و ضد انقلابی خویش پشیمانند.

گذشت‌های اصولی و ممکن به خاطر توافق ملی، مصالحه اصولی و انعطاف‌پذیری مطابق با مصالح ملی کشور و صلح و امنیت سراسری کشور، در ماههای گذشته، مصوبات شورای انقلابی پیرامون در پیش گرفتن این برخورد جدید، بصورت گسترش این شورا و شورای وزیران به اجرا گذاشته شده است.

برخورد جدید، کاهش دامنه

مبارزه با ضد انقلاب نیست

بدنیال اعلام تصمیمات جدید رهبری افغانستان و آغاز اجرای آن، رسانه‌های گروهی امپریالیستی که از این نشانه‌های تحکیم موقعیت حاکمیت انقلابی در افغانستان به هراس افتاده‌اند، کوشیدند تا ماهیت این تصمیمات را واژگونه جلوه داده و

آن را دلیل ناتوانی انقلاب افغانستان در مبارزه با ارتجاع و ضد انقلاب قلمداد نمایند. رفیق بیرک کارمل رهبر افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل، در پاسخ به سؤال یک خبرنگار آمریکایی در مورد امکان مذاکره با رهبران ضد انقلابی، صریحا اعلام داشت، "آنان (رهبران ضد انقلابی) عناصر معنوم‌الحالی هستند که سالها در خدمت محافل امپریالیستی و ارتجاعی و سازمانهای جاسوسی آنها قرار داشته‌اند. اینان از طرف توده‌های میلیونی زحمتکشان کشور ما طرد شده و به دامان اربابان امپریالیستی و ارتجاعی خود پناه برده‌اند.

برخورد جدید به مسئله گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب افغانستان، به معنای کاهش دامنه مبارزه با ضد انقلاب نیست. گواه بارز این امر آن است که به موازات تصمیمات اخیر رهبری افغانستان، گروههای هر چه بیشتری از مردم افغانستان و به ویژه اقوام و قبایل مرزی، به جبهه فعال و مسلحانه با ضد انقلاب روی می‌آورند. این امر، و قبل از همه قیام قهرمانانه قبایل پشتون علیه اشرار ضد انقلابی و ارتش مزدور پاکستان، مبارزه با ضد انقلاب در نوار مرزی پاکستان و افغانستان را وارد مرحله کیفی نوینی کرده است.

نفت در استراتژی نواستعمار

بقیه از صفحه ۱۳

استراتژی قدرتهای امپریالیستی برای افزایش وابستگی کشورهای رشد یابنده و حل مشکلات اقتصادی و مالی امپریالیستها از طریق بیرون کشیدن سرمایه از این کشورهاست.

کشورهای رشد یابنده صادرکننده نفت در برابر کاهش قیمتها به هیچ وجه بی تفاوت نیستند. ابتکار "دوئل قیمتها" بریتانیا از عربستان سعودی ناشی گردید که با این کار، مقاصد دیگری را نیز دنبال می‌کند. این مقاصد عبارتند از وادار کردن شرکا و در عین حال رقبایش در اوپک به رعایت سقف تولید توافق شده، تضعیف جناح رادیکال و تثبیت موضع رهبری خود در اوپک. در ارزیابی رفتار عربستان سعودی باید در نظر گرفت که شرکتی نفتی آمریکایی معمولا چهار پنجم نفت صادراتی این کشور را خریداری می‌کند و شیخ یمنی، وزیر نفت و منابع کانی، عملکرد خود در بازار را برای نمایندگان این شرکتها هماهنگ می‌سازد. و بالاخره نباید از یاد برد که عربستان سعودی مناسبات سیاسی و تجاری نزدیکی با آمریکا که در آن بیشترین سهم سرمایه‌گذاری خارجی سعودی به عمل آمده، دارد.

بدنیال رسیدن استخراج نفت بریتانیا به بالاترین حد آن، شرکتیهای آمریکایی با افزایش

استخراج نفت سعودی به مقادیر بیشتری نفت دست یافته‌اند. این امر بدون کاهش قیمتها امکان‌پذیر نمی‌بود. تولید فرآورده‌های نفتی و فروش این فرآورده‌ها سودهای هنگفتی عاید این شرکتها کرده است. آیا این امر نباید باعث این گمان گردد که منافع نفتی ریاض و واشنگتن، که عربستان سعودی بعنوان مجرای اهداف جهانی محافل حاکم امریکاخواه ناخواه در چارچوب آن عمل می‌کند، به میزان معینی یکسان است؟

در هر حال سیاست نفتی سعودی در اوپک به ویژه از سوی جناح رادیکال آن، مورد انتقاد فزاینده قرار می‌گیرد که این امر بی دلیل نیست.

مکزیک و نیجریه پس از کاهش قیمت‌ها دچار وضع بسیار دشواری شده‌اند. میگوئل دلامادرید رئیس جمهور مکزیک از مهمترین کشورهای صنعتی سرمایه‌داری خواستار کمک فوری مالی شد زیرا کشورش ناچار به تعلیق پرداخت قروض خارجی خود گردیده است. آمریکا و بریتانیا اعطای اعتبارات دولتی و پرداخت وام از سوی صندوق بین‌المللی پول به نیجریه را منوط به کاهش ارزش واحد پول این کشور و برخی دیگر اقدامات به سود وام دهندگان کرده‌اند.

مشکلات مشترک، تلاش بسیار، از کشورهای

صادرکننده نفت برای وحدت را تقویت کرده است. اوپک اعلام نموده است به تنهایی نمی‌تواند بازار را ثبات بخشد و کاهش قیمتها را متوقف سازد. آنگولا، مصر عمان، مالزی و مکزیک نیز در هماهنگی اقدامات ذینفع‌اند.

در چنین شرایطی، در تاریخ ۱۶ مارس در ژنو هفتاد و هفتمین کنفرانس اوپک با حضور ناظرین کشورهای نامبرده صادرکننده نفت که عضو اوپک نیستند، گشایش یافت. شرکت کنندگان در کنفرانس، با این وظیفه دشوار روبرو هستند که بر سر محدود کردن استخراج نفت توافق کنند، کاهش قیمتها را متوقف سازند و سپس قیمتها را افزایش دهند. به عقیده محافل اقتصادی و افکار عمومی کشورهای رشد یابنده صادرکنندگان نفت در این شرایط ضروری است اعضای اوپک شهادت و آمادگی دستیابی به سازش به سود منافع عمومی را از خود نشان دهند، زیرا دیگر تنها یک مسئله مشخص مطرح نیست. آنچه مطرح است، مسئله بسیار گسترده‌تر و اصولی‌تری است، که عبارت است از اینکه آیا کشورهای رشد یابنده خواهند توانست در مبارزه با نواستعمار از منافع خود با موفقیت دفاع کنند یا نه. سرشت آنها در دست خود آنهاست.

مبارزه برای قطع انفجارهای هسته ای ادامه دارد

آمریکاعلی‌رغم اعتراضات گسترده بین‌المللی، برای دومین بار در ظرف دو هفته، یک انفجار هسته ای در صحرای نوادا انجام داد. در بسیاری از کشورهای جهان با اعلام این خبر، تظاهرات خودانگیخته‌ای علیه سیاست ماجراجویانه ویی اعتنایی دولت ریگان به افکار عمومی بین‌المللی برپا گردید. موضوع انفجارهای هسته‌ای، در کنار جلوگیری از نظامی کردن فضا و در پیوند با آن، به محور مبارزات حول امر صلح و خلع سلاح تبدیل شده است.

خبرگزاری شوروی تاس اعلام کرد، "با توجه به انفجار هسته‌ای جدید ایالات متحده آمریکا، دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اعلام می‌دارد تعهد یکجانبه‌اش مبنی بر خودداری از انجام انفجارهای هسته‌ای منتفی شده است". بیانیه تاس می‌افزاید در عین حال اتحاد شوروی آماده است هر زمان که دولت آمریکا اعلام کند از چنین انفجارهایی چشم‌پوشی نماید و موراتوریوم مشترکی در مورد انفجارهای هسته‌ای را رعایت نماید.

برژدو کوئبار دبیرکل سازمان ملل متحد در نخستین واکنش خود در برابر انفجار هسته‌ای جدید

آمریکا خواست ملل متحد مبنی بر قطع آزمایش‌های هسته‌ای و انعقاد موافقت‌نامه گسترده درباره پایان بخشیدن به این آزمایش‌ها را مورد تأکید قرار داد.

بسیاری از نمایندگان کنگره آمریکا آزمایش جدید را مورد انتقاد شدید قرار دادند. سناتور جمهوری‌خواه مارتین گلف این اقدام دیگر نه یک آزمایش اتمی، بلکه آزمون مسئولیت واشنگتن در قبال امر کنترل تسلیحات بود، و آمریکا از این آزمون سر بلند بیرون نیامد. سناتور ادوارد کندی از دولت ریگان به خاطر عدم استفاده از موقعیت برای دستیابی به موافقت در مورد قطع آزمایش‌های هسته‌ای انتقاد کرد. ویلی برانت رهبر حزب سوسیال دمکرات آلمان خواهان اعمال فشار افکار عمومی بر دولت آمریکا برای دادن پاسخ مثبت به پیشنهاد شوروی در مورد قطع آزمایش‌ها شد و آزمایش جدید آمریکا را مغایر با عقل سلیم خواند. وزیر خارجه ژاپن اعلام کرد دولت این کشور از آخرین آزمایش آمریکا "عمیقاً متأسف است" تاکنش آرکی سردار هیروشیما به اقدام آمریکا شدیداً اعتراض کرد.

اخبار کوتاه

* کنگره ملی آفریقا از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست برای لغو حکم اعدام علیه "آندرو زوندو" مبارز آزادی‌خواه ۱۹ ساله که توسط مقامات رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی صادر شده است، اقدام نماید. حکم اعدام زوندو در روز دوم آوریل صادر شد.

* در جریان سفر واین‌برگر وزیر دفاع آمریکا به فیلیپین، تظاهرات گسترده‌ای علیه آمریکا و پایگاه‌های ایالات متحده در فیلیپین صورت گرفت. عکس، صحنه‌ای از تظاهرات مردم مانیل در برابر کاخ ریاست جمهوری فیلیپین را نشان می‌دهد. واین‌برگر در دیدار از مانیل با آکینو رئیس‌جمهور جدید ملاقات کرد.



* دهها هزار تن از مردم کره جنوبی در چندین شهر با شرکت در تظاهرات گسترده‌ای، خواهان برچیدن دیکتاتوری و تغییر قانون اساسی این کشور شدند. تنها در شهر تانگو واقع در جنوب شرقی کشور، ۶۰ هزار تن در میتینگ‌هایی که ایوب‌سیون برگزار کرده بود، شرکت کردند. پلیس به دنبال این میتینگ، به تظاهرات حدود دو هزار جوان حمله کرد و ۱۴ تن از آنان را دستگیر نمود. در شهر کوانگ‌جو واقع در جنوب غربی کره جنوبی، صد هزار تن به تظاهرات دست زدند.

* بیش از صد تن از اعضای پارلمان‌های ۱۸ کشور آمریکای لاتین، با امضای بیانیه‌ای، سیاست آمریکا در قبال نیکاراگوئه را "دخالتم‌گرا" و "نقض خشن حقوق بین‌المللی" خوانده و شدیداً محکوم کردند. آن‌ها همچنین از ابتکار صلح کشورهای گروه "کونتادورا" (مکزیک، پاناما، ونزوئلا و کلمبیا) حمایت به عمل آوردند. وزرای خارجه کشورهای آمریکای لاتین ملی یک نشست درباره مسائل آمریکای مرکزی به تبادل نظر پرداختند. وزیر خارجه مکزیک در این نشست خواهان قطع حمایت نظامی آمریکا از ضدانقلابیون نیکاراگوئه شد.

* سران آنگولا، بوتسوانا، موزامبیک، زامبیا، زیمبابوئه و تانزانیا نمایندگان کنگره ملی آفریقا و سوابو طی کنفرانسی در لواندا پایتخت آنگولا درباره جنوب آفریقا به گفتگو نشستند. در این کنفرانس "خوزه ادواردوس سانتوز" رئیس‌جمهور آنگولا خواهان تحکیم یکپارچگی کشورهای خط‌مقدم جیبه و تقویت پشتیبانی از مبارزه رهایی‌بخش خلق‌های آفریقای جنوبی و نامیبیا شد.

افزایش خطر حمله آمریکا به لیبی

معر قذافی در یک کنفرانس مطبوعاتی در طرابلس هر گونه دخالت لیبی در ماجرای بمب‌گذاری برلن غربی را تکذیب کرد و گفت تبلیغات درباره این اتهام، هدف توجیه تجاوز به لیبی را دنبال می‌کند. وی موافقت بدون شرط خود را با پیشنهاد میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر خروج هم‌زمان ناوگان ایالات متحده و اتحاد شوروی از دریای مدیترانه، اعلام نمود و افزود این پیشنهاد حاکی از موضع مسئولانه و منطقی اتحاد شوروی است. آندریاس پایاندرو نخست‌وزیر یونان طی دیدار از یکن اعلام داشت چین و یونان با هرگونه حمله نظامی به یک کشور مستقل مخالفند.

شیکه تلویزیونی "ا، بی - سی" آمریکا گزارش داد نقشه حمله جدید نظامی ایالات متحده به لیبی تهیه شده و به محض بازگشت واین‌برگر وزیر دفاع و بوش معاون رئیس‌جمهور از سفرهای خارجی‌شان، درباره زمان اجرای آن، تصمیم گرفته خواهد شد. آمریکا با استفاده از ماجرای انفجار بمب در برلن غربی که به کشته شدن یک سرباز آمریکایی انجامید، کارزار تبلیغاتی جدیدی علیه لیبی به راه انداخته است. این در حالی است که مقامات برلن غربی اعلام کرده‌اند هیچ نشانه‌ای مبنی بر دخالت لیبی در انفجار مزبور وجود ندارد.

پنناگون، وزارت جنگ آمریکا، به سه ناهوایمبار خود در مدیترانه دستور آماده‌باش برای "وارد آوردن ضربه نظامی به لیبی" داده است.

مفد همین کنگره حزب کمونیست ایتالیا

الساندرو ناتا برنامه "جنگ ستارگان" ریگان را مورد انتقاد قرار داد و گفت پافشاری واشنگتن بر عدم مذاکره پیرامون "ابتکار دفاعی استراتژیک"، سایه تکران‌کننده‌ای بر مذاکرات ژنو می‌افکند، مذاکراتی که طبق توافق قبلی هم به سلاح‌های میان‌برد و هم استراتژیک و هم به سلاح‌های فضایی مربوط است. وی افزود: "دیگر چه مذاکراتی می‌تواند وجود داشته باشد وقتی گفته می‌شود درباره یکی از سه مورد، جای مذاکره نیست؟"

چهارشنبه نهم آوریل، مفد همین کنگره حزب کمونیست ایتالیا در شهر فلورانس آغاز به کار کرد. پس از سخنرانی الساندرو ناتا، دبیرکل حزب، شمار زیادی از نمایندگان کنگره درباره گزارش وی اظهار نظر کردند. مواضع حزب کمونیست ایتالیا پیرامون "آلترناتیو دمکراتیک" از موارد محوری سخنرانی‌ها بود و در این باره، نقله نظرات مختلفی ابراز شد.

در رابطه با مسائل سیاست داخلی، دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا گفت زحمتکشان بار اقداماتی را که به سود سرمایه‌داران انجام گرفته، به دوش می‌کشند، اما این اقدامات هیچ تغییری در وضعیت اشتغال، به‌ویژه در جنوب ایتالیا، در پی نداشته است. دست‌مزدها ثابت مانده‌اند و مواضع سندی‌کاما تضعیف شده است. هیچ اقدام جدی در جهت تخفیف بیکاری گسترده صورت نگرفته است. کسری بودجه همچنان رو به افزایش است، و شکاف بین جنوب و شمال ایتالیا عمیق‌تر می‌شود.

ناتا در گزارش خود به کنگره خاطر نشان ساخت حزب در برابر این وظیفه قرار دارد که "مرحله‌ای نوین در سیاست‌ها گشوده و بازسازی فکری، برنامه‌ای و سازمانی حزب را به پیش برد."

وی مسئله جنگ و صلح را مسئله اصلی دوران ما خواند و گفت نقش اتحاد شوروی در سیاست بین‌المللی، با برگزاری کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و ابتکارهای جدید این کشور تقویت شده است. دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا از نقش اتحاد شوروی در بحران اخیر مدیترانه قدر دانی کرد.

هشت سال پس از پیروزی ثور

افغانستان به سوی گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب

در شماره پیش "اکثریت"، سلسله مطالب مربوط به هفتمین سالگرد انقلاب پیروزمند ثور در افغانستان را از مصاحبه‌ای با رفیق محسن زاده عضو دایره روابط بین‌المللی حزب دمکراتیک خلق افغانستان آغاز

تژهای دهگانه پیرک کارمل

در سال گذشته بدنبال برگزاری "لویه جرگه" و "جرگه عالی قبایل" که نمایندگان وسیعترین اقشار و گروههای مردم افغانستان در آن شرکت جتند، رهبری افغانستان با احساس مسئولیت در قبال ضرورت گسترش این روند و توضیح بنیادهای نظری آن، در اجلاس فوق‌العاده ووسیع شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان، تژهای دهگانه‌ای را اعلام نمود که بعدا به تژهای دهگانه رفیق پیرک کارمل مشهور گردید. رؤس این تژها به شرح زیر است:

راه پیشرفت انقلاب در افغانستان هموار نبوده، روندی طولانی و مشکل است که مرحله به مرحله پیش می‌رود. بفرنجی روند دمکراتیزه

کردیم. در این شماره، به تصمیمات و اقدامات اخیر رهبری حزب و دولت انقلابی افغانستان به منظور گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب، که از مهمترین رویدادهای سال گذشته در افغانستان انقلابی بود، می‌پردازیم.

کردن حیات اجتماعی و سیاسی و تحقق دگرگونی‌های مهم اجتماعی و اقتصادی در کشور، تنها ناشی از عقب ماندگی‌ها و مسائل گذشته و دشواریهای مبارزه با ضد انقلاب داخلی و خارجی نبوده، بلکه اشتباهات و خطاهای جدی نیز در این زمینه نقش فاجعه‌باری داشته‌اند. اعمال جنایتکارانه حقیقت‌اللهمین و باند وی، زیانهای سنگین و بسیار دردناکی را به امر انقلاب ملی و دمکراتیک افغانستان وارد کرد. انقلاب با منافع اکثریت مطلق مردم مطابقت کامل دارد، از این رو همه میهن پرستان که به آرمانهای انقلاب پایبندند، حق دارند و باید در امر ساختمان افغانستان نوین و دمکراتیک سهم بگیرند. هدف این است که همه مسائل ملی مورد بحث کشور در فضای آزاد و دمکراتیک، به شیوه سالم‌آمیز و بر اساس منافع ملی حل

کرد.

حاکمیت انقلابی افغانستان شرکت همه میهن پرستان واقعی و نمایندگان همه اقشار و گروههای اجتماعی کشور، ام از کارگران، دهقانان، زمینداران متوسط، پیشه‌وران، روشنفکران، اعضای نیروهای مسلح از سرباز تا ژنرال، کارفرمایان کوچک خصوصی، سرمایه‌داران ملی، تجاری و صنعتی، روحانیون و شخصیت‌های اجتماعی با اعتبار همه ملیتها، اقوام و قبایل رادر کلیه ارگانهای قدرت و اداره امور دولت و فعالیتهای سیاسی، اقتصادی،

"برخورد جدید" به گسترش پایه‌های اجتماعی انقلاب

رفیق پیرک کارمل دبیرکل حزب دمکراتیک خلق و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان، در سخنرانی خود در اجلاس فوق‌العاده شورای انقلابی، "برخورد جدید" به مسایل مربوط به توسعه پایه‌های اجتماعی انقلاب را چنین توضیح داد:

— آمادگی برای همکاری وسیع سراسری ملی بر پایه منافع همه خلق و مصالح ملی. بقیه در صفحه ۱۴



زحمتکشان افغانستان، مصمم به دفاع مسلحانه از انقلاب

۴۸ حزب نامزدهای خود را برای احراز کرسی‌های نمایندگی اعلام کرده‌اند، اما ناظران تنها برای هفت حزب از شمال و سه حزب از جنوب سودان امکان موفقیت قائلند. مهمترین این احزاب عبارتند از "جبهه ملی اسلامی" به رهبری "حسن الترابی" سرکرده اخوان المسلمین و مشاور سیاست خارجی نمیری، حزب کمونیست سودان که ابراهیم نقود دبیرکل آن از محبوبترین شخصیت‌های سیاسی کشور است، حزب بعث طرفدار عراق، "حزب ملی سودان" به رهبری فیلیپ کاپوش که از مبارزه مسلحانه در جنوب حمایت می‌کند، "حزب اتحاد ملی" که طرفدار مصر و خواهان حفظ قوانین شرعی است، "حزب اتحاد دمکراتیک" طرفدار مصر و حزب "امت" که غرب‌گرا و اسلامی است.

توده‌ای نبوده است. نظامیان در هراس از عواقب اقداماتی نظیر گران مایحتاج اولیه، شرایط اعطای وام صندوق بین‌المللی پول را رد کردند.

از سوی دیگر، جنبش گسترده توده‌ای که به سرنگونی نمیری انجامید، متحد زیادی تحت تاثیر نیروهای محافظه‌کار و احزاب سنتی آن‌ها قرار داشته و دارد. منبع تامین مالی این احزاب، عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. احزاب مزبور از قوانین اسلامی که نقش عمده‌ای در مخالفت مردم غیر عرب و غیر مسلمان جنوب سودان دارد، دفاع می‌کنند. جنگ در جنوب سودان ادامه دارد و ارتش ناچار شده است چند شهر نظیر "کورموک" و "رومیک" را تخلیه کند. در نزدیک به نیمی از حوزه‌های انتخاباتی جنوب سودان، انتخابات فعلی انجام نمی‌گیرد.

برای نخستین بار پس از هفده سال، در سودان انتخابات با آزادی نسبی برگزار می‌شود. هرچند صرف برگزاری آن، ثمره مبارزات مردمی است، اما انتظار نمی‌رود مهمترین مسائل کشور با این انتخابات حل شود.

انتخابات سودان

امیرپالیستی، طبق معمول عبارت بود از حذف سوید مواد غذایی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و آزاد کردن نرخ ارزی واحد پول سودان.

در جنوب، دولت جدید در برابر خواست‌های "جنبش آزادیبخش سودان" به رهبری سرهنگ "جان کارانگ" مقاومت می‌کند. این خواست‌ها که جنبش مزبور تحقق آن‌ها را شرط برقراری آتش‌بس و شرکت در انتخابات قرار داده، عبارتند از تشکیل مجمع تدوین قانون اساسی با شرکت این جنبش، لغو مقررات فوق‌العاده و الغای قوانین شرعی اسلامی.

در ریشه‌یابی علل به بن‌بست رسیدن حل دو مسئله بالا، ناظران سیاسی به ضعف نسبی رژیم نظامی در برابر جنبش توده‌ای اشاره می‌کنند. بدون تردید، آنچه باعث رد شرایط صندوق بین‌المللی پول توسط دولت گردیده، نه تمایل خود حکومت نظامی، بلکه وجود نیرومند جنبش

انتخابات پارلمانی سودان به مدت دوازده روز، از فاصله اول تا دوازدهم آوریل، برگزار شد. تا هنگام تنظیم این خبر، گزارشی درباره نتیجه این انتخابات انتشار نیافته بود.

برگزاری انتخابات طبق وعده‌ای صورت می‌گیرد که شورای نظامی حاکم بر سودان پس از به دست گرفتن قدرت اعلام نمود. نظامیان متعهد شده بودند ظرف یک سال انتخابات پارلمان برگزار شود و اینکه با اندکی تاخیر، این انتخابات انجام می‌گیرد.

در طول یک سال که از سرنگونی نمیری می‌گذرد، حکومت جدید نتوانسته است دو مسئله حاد کشور، یعنی بحران اقتصادی و جنگ داخلی در جنوب را حل کند. در ماه فوریه، همان‌گونه که "اکثریت" گزارش داد، صندوق بین‌المللی پول به دنبال رد شرایطش برای اعطای وام از سوی دولت خارطوم، سودان را "بی اعتبار" اعلام نمود. شرایط این سازمان مالی

AKSARIYAT
NO. 102
MONDAY APR 14 86
Address: Ruzbeh
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY